

- ۵ صفحه حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- ۶ صفحه خلق ها و مسئله ملی
- ۶ صفحه اخبار کشتار سندج
- ۹ صفحه راهپیمایی غذا میریایستی دانشجویان و دانش آموزان و حمله ارتجاع
- ۱۰ صفحه زیرگرایهای غذا انقلاب و انکاس یکجانبه آن در صف انقلاب
- ۱۱ صفحه گرمی باد یکدمین سالگرد تولد حیدرخان عمواوغلی (۲)
- ۲۰ صفحه حمله به میتینگ فدائیان را محکوم میکنیم
- ۲۰ صفحه بازهم جنایت ارتجاع! (در باره اعدام برادران عسگری)

فلسطین - ایران : يك سـنـگر



گزارشی از مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب فلسطین در دانشگاه صنعتی شریف در صفحه ۸

"حذف بهره و امها" يك رفـرم بورژوائی در چهارچوب حفظ سرمایه داری وابسته

استعمار خلق ها آگاهی دارند. در واقع باستانی گفت که سیستم بانکی در کشور وابسته ای چون کشور ما ، با مرتبط کردن رشته های مختلف سرمایه داری از قبیل سرمایه داری صنعتی ، بقیه در صفحه ۱۹

دولت قبل با آغا زاعنای انقلابی بوده. ای، همه شان بدان بودیم که توده ها چگونه خشم و نفرت خود را با حمله به بانکها و دیگر موسسات وابسته به رژیم باقی نشان داده و ثابت می - کردند که بدرستی به نقش و اهمیت بانکها در

قطع مذاکرات صلح در کردستان و نوطه های جدید هیئت حاکمه

هدف هیئت ویژه دولت در کردستان ، بوجود آوردن یک قطب سازشکار از جریانهایی بورژوائی ارتجاعی در کردستان و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است . صفحه ۶



دهقانان مبارز امیرآباد

گزارشی از مبارزات دهقانان روستای "سجلده" از توابع آمل

۲ صفحه

بار دیگر دعوای ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

در صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری و موضع کمونیستها

هیئت حاکمه ، آخرین مراحل " تثبیت " و "تحکیم" مبانی جمهوری اسلامی و "حکومت عدل الهی" ! را با سرعت خارق العاده ای که ناشی از ترس و وحشت بیهودانها از موقعیت متزلزل و شکننده شان در متن انقلابی نوین انقلابی جامعه است ، به پیش می برد. انتخاب رئیس جمهور و سپس انتخابات و تشکیل مجلس شورای ملی آخرین حلقه های این اقدامات "تثبیت کننده" و فواید بخشنده دستگاه حکومتی جدید است. انتخابات ریاست جمهوری ، که رژیم اکنون در تئو و تاپ به سرانجام رساندن آن بسر می برد ، در شرایطی صورت می گیرد که نشانه های درونی هیئت حاکمه ، به شدیدترین وجهی چهره خود را بقیه در صفحه ۲



راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران
سندیکای پروژه های آبادان و حومه ای

تحصن کارگران بیکار قزوین
و تحریکات حزب جمهوری اسلام

از کارگران بیکاری اکریل (اصفهان)
متحصن در اداره کار حمایت کنیم

حرکت پیروزمندانه دیگری از
کارگران کارخانه عبیدی

گزارشی از تجمع و راهپیمایی
کارگران بیکار تهران

پیروزی کارکنان صنعت نفت و
عقب نشینی مفتضحانه رژیم

گفتگوی بایکی از کارگران کارخانه
پوت

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران

بار دیگر دعوی ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

بار دیگر در جریانات روز جمعه قم و تبریز ، غور و سوزی بوده ها در مسیری کاملاً انحرافی بکار گرفته شد. همچنانکه ما در حوادث قبلی تبریز سرافرازه کردیم این فیلل حوادث " قبل از آن کدسانی از ما را با انقلابی خلق ترک بر علیه سم طبعی و ملی دانستند. ناشی از تفادها و درگیریهای طبقات حاکم است که اکنون بر سر مسئله رهبری میان قدرتمندان مذهبی خود را می نماند و در این سنی بود و وسیعی از مردم با آکا در آلت دست خود میسازد. " آری ، بورژوازی خمینیه تلاش میکند برای رسیدن به قدرت از خواسته های سوده ها سوء استفاده نماید. خلقی ترک محمود دیگر خلقها ، در میان سلطنت پهلوی بعد سیمینا عفت طبعی و ملی قرار داده است این خلق دلاور در بنا بر سر علیه رژیم را خانی و محمد را با می ، بحق سمت انقلاب متروکیت را خمینیه حفظ کرده و همواره در پی سر و سر خلقها در برابر خمینیه امیرالسلطان و ارتجاع سوده است. خلقی ترک که در انقلاب احزاب ایران نقش سرائی داشته است ، پس از قیام پنجم میانه بدرستی میانه خمینیه که از خواسته های عادلانه خود بسیار بدتر است و هیئت حاکمه جدیداً حفظ نظام را مدعی داری و استند ، با انصاف و راستی را باول " باقی ارتجاعی خیرگان ، حقوی وی را نیز همچون دیگر خلقهای ایران رسوا کرده است و در درونی راجحان قرار گرفته است. در چنین شرایطی امیرالسلطانی ملالت طلب دسور و آیت الله خمینیه در کد اکنون این لیبرالها و خاموشی طبعی امیرالسلطانی و حتی خمینی از بورژوازی و استبداد ترکیف حمایت خود گرفته است. با نیکو کار میسود با نیکو سر موح با را - سنی بوده های ترک از رژیم فعلی ، سهمی در قدرت ندانند. ما با حسی وضعی در مسأله خلقی های دیگر و همچون خلق بلوچ سر موحه همیم ، یعنی بدلیل عدم آگاهی سوده ها و نبود آمان - های تر و در انقلابی در اینگونه مناطق ، ارتجاع و امیرالسلطانی و خلقی عقی دارند قدرت ناشی و سپید و سحرگر مردم با آکا که از رژیم حاکم با رانی خمینیه رژیم و اردمعا مله نوبد ، هم اکنون دیگر سردی این حامی ساخته شده امیرالسلطانی در بلوچستان مرکز امیرالسلطانی و با حسی و مولوی ها و ارتجاع بلوچ و سیاسی است و درگیریهای دو هفته فیصل را ایدان سرار همیم سوده ها و سیاست به درگیری - های احرام و سرباز دارد. آنچه در این میان معنی کننده است میزان و اهمیت است که سروه های انقلابی در این مناطق بکار سیاسی - سکولاری در مان سوده ها می دهند. تنها از استطرع و سبب خلق بدور با زمانهای راستین انقلابی است که میسوانیم خلق را از سرباز و سربازان حاکم بدتر و رژیم و آمان را در مسیر سازد خدا میباید لیستی و فدا رتجاعی رهبری میسوم. ■

بقیه از صفحه اول

انتخابات ریاست جمهوری و...

نمایان ساخته است. تفادها می که البته خود اشکال بر شد جنبش انقلابی در جامعه ، ناممکنی - های بسیار در درون هیئت حاکمه میان جناح های مختلف آن ، بحران عظیم ایتمادی - اجتماعی و در هم ریختگی فزاینده اقتصاد دور شکسته و بونالین سرما به داری و بسته ایران است. این تفادها و درگیریهای " با لا " که در پرستو آن عنا مروجان معینی از بورژوازی شرکت کننده در هیئت حاکمه هر روز رسوا تر شده و چهره کشیشان پیش از پیش از پرتده خیانت به انقلاب و خدمت به امیرالسلطانی میرون می افتد ، نمی توان در بر فضایی انتخابات ریاست جمهوری سنگینی نکند. عنا مروجان می که در طی این ۹ ماهه با از اعلی قدرت سیاسی را ، در سبب نفوذ و اعتبار رهبران روحانی ، در دست خود متمرکز نموده بودند و رژیم را با سرعت شکست آوری به سوی وابستگی تمام عیار به امیرالسلطانی - تا زانند و به همان سرعت زیر پای کسل هیئت حاکمه را که برپا به توهم و اعتماد دما دفا نه توده - های نا آگاه مردم گشگل گرفته بود ، خالی میگردند. در واقع رژیم ، در شرایطی به این انتخابات دست می زند که میسور شده است برای نجات کسل حاکمیت خود و سیستم موجود به قریبانی شدن عنا مروجان های بورژوازی هیئت حاکمه ، رضایت دهد. و در این میان نیز دست بر روی عنا صبر کشی چون امیرالسلطانی ها ، نرینه ها و ... که تا دیروز عنا صبر " پاک " و " مومن " دولت موقت بازرگان ، نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی بودند ، انگشت گذاشته است. دانسته این درگیری ها و تفادها تاکنون بدینا کشیده شده که " نهفت آزادی " ، این حزب سیاسی راست ترین جناحهای بورژوازی لیبرال را نیز در کام خود فرو برده است. و " اسناد خیانت آنان - خیانتی که در عرصه فعالیت های سیاسی این حزب از ابتدا تاکنون و بخصوص در طی دو سال گذشته از لایلهای موانع سیاسی آنها مشهود قابل رویت بوده است - به تدریج بر ملا می گردد. این انتخابات همچنین در شرایطی صورت می گیرد که در تمام مراحل پیشین " تثبیت " رژیم جمهوری اسلامی ، (از رفرا دوم رژیم جمهوری اسلامی تار رفرا دوم قانون اساسی) ، ما ناهد فرو ریختن تدریجی جوامع و اعتماد اطمینان سوده ها به قدرتمندان کنونی هستیم ، که می در مد جمعیت شرکت کننده برای دادن رای در هر یک از این مراحل گواه این مدعا است و حتی آمار خود رژیم نیز بخوبی این کارها را نشان می دهد. ۹۸٪ جمعیت شرکت کننده در رفرا دوم جمهوری اسلامی (طبق آمار خود رژیم) به ۱۰٪ در صد در انتخابات شورا ها ، و حدود ۷۳٪ در رفرا دوم قانون اساسی می رسد (این آمار خود رژیم است ، در مورد نیکو واقعیت موجود یک حساب سر - انگشتی نشان می دهد که بیش از ۵۰٪ حاکمیت شریک شریک در انتخابات از شرکت در رفرا دوم خودداری کردند) . چنین کارهایی در فوامل کوتاه زمانی ،

سرعت فرو ریختن توهمات مردم به رژیم و شتاب سقوط ارتجاع در شرایط انفراد را به خوبی نشان می دهد. و اکنون در مثن چنین شریک رژیم در حد است تا هر چه زودتر این انتخابات را به شمر برساند. زمان تعیین شده برای اجرای این انتخابات ، یعنی حدود ۱۰ روز برای معرفی کاندیداها (۲۹ آذر ماه - شام ۸ دیماه) و ۴۰ روز برای تبلیغات و فعالیت های انتخاباتی (کاندیداها ۱۵ دیماه از طرف وزارت کشور معرفی می شوند و پنجمین ماه روز انتخابات است) - که حتی در قیاس با مدت زمان این انتخابات در کشور های امیر - بالیستی همچون آمریکا ، بسیار محدود و نا چیز است - این تلاش برای سر هم بندی کردن انتخابات و هراس و وحشت از گاهن روزا فزون شده است " رای دهندگان " را بخوبی نشان می دهد. چرا که حتی در کشوری امیرالسلطانی مثل آمریکا ، لا اقل برای حفظ ظاهر فریبنده ، نظام دموکراسی بورژوازی ، و دموکراتیک جلوه دادن انتخابات حدود چند ماه قبل از انتخابات به فعالیت های انتخاباتی و تبلیغات می کاندیداها " اختصاص " می یابد .

در مثن این شرایط ، که بطور کلی بدان اغا ره کردیم ، تعیین دقیق اینکه چه کسی از عنا صروا بسته به هیئت حاکمه و جناح های رفیب بر مستند ریاست جمهوری تکیه زند و چه تنای بر این انتخابات مترتب است ، از پیش امکان پذیر نیست. اما از آوا ه موجود میسوان نکاسی را پیش بینی نمود ، یکم اینکه ، شور و شوم برای شرکت در این انتخابات با رهم کاهنن خوا ه د با قوت و به احتمال زیاد میزان جمعیت شرکت کننده در انتخابات در همان حول و حوش رفرا دوم قانون اساسی خواهد بود. رسوائی - های اخیر و بی دربی عنا صری از هیئت حاکمه که مردم در گذشته بدلیل نا آگاهی و توهم نسبت به رژیم به آنها اعتماد داده اند ، بدینا که تنای شور و شوق تاثیرات شخصی دارد ، تردیدی نیست که موضع گیری نیروهای انقلابی و کمونیستی در قبال این انتخابات نیز در اینجا موثر است و می توان بدینا که تنای با رفرا این میسوان ناشیرا محسوس داشته باشد. اگر نیروهای انقلابی دموکرات و کمونیستی می توانستند (و با بنوا شد) جنبه وسیعی در رفرا این انتخابات ، برای افشا و طرد آن ، بگنایند. دانسته که آکا هگرا نه خود را به منظور باره کردن رشته های اعتماد و وابستگی سوده ها به انتخاباتی از این دست ، گسترش دهند ، بدون شک می توانستند ، در کاهش میزان آرا ، ریخته شده به صدوق های رای گیری ، نقش قابل توجهی داشته باشند. اما منافعه واقعیت چنین نیست ، بخش اعظم نیروهای دموکرات ، در این معرکه انتخاباتی شرکت جسته اند ، نیروهای کمونیستی نیز تاکنون موضع رسمی در این باره اتخاذ نکرده اند که میسوان در این مورد قضاوت نمود.

دوم اینکه : بسیاری از عنا صروا نیست

بقیه در صفحه ۱۲

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

حرکت پیروزمندان دیگری از کارگران کارخانه عیبی

در پیکار شماره ۳۶ گفتیم که کارگران اخراجی کارخانه عیبی در سایه همبستگی خود توانستند تنها خودسرکار برگردند بلکه کارمندان را نیز که سبب حمایت از آنها اخراج شده بودند، سرکار برگردانند، در زیر گزارش ادامه می‌رساند آنها را ملاحظه کنید:

کارگران عیبی از اخراج به کارخانه برگشته بودند از روحیه خوبی برخوردار و شادمانه ای بقدرت خودشان پی برده بودند. کارگران دیگر نیز با روحیه ای زور سر برشته می‌رفتند و در مواردی رودر روی آنها می‌رفتند. در مقابل، آنها از نمایندگان خود حرف شوی داشتند و به آنها احترام می‌گذاشتند. از طرف دیگر چند لومین و بسته به کارفرما سعی از کارگران نا آگاه را علیه نمایندگان تحریک می‌نمودند و با انجمن اسلامی فرمایشی (از طرف کارفرما) که موسسین آن از سرپرستان بودند که کارگران از آنها دل خوشی نداشتند اوضاع را منبسط می‌کردند.

در چنین شرایطی نماینده ها با همکاران خود کارگران آگاه دیگری را تشکیل دادند (۱) اما سنا می‌آید تهیه می‌کنند که مطابق آن شورا دارای دو کمیته آموزشی و امور فرهنگی بود. (اما بنده ها منتقد بودیم برای آنکه شورا نتواند قدرت اجرایی داشته باشد بگوید، با بدداریت افسان حاد و طبع شروع کرد و پس از آنکه افسان و محکم شد، آنکه خواست نظارت بر بولشوی مدیریت را مطرح کرد، اما سنا می‌گوید که ترسیده کارگران با کمی تغییر مورد موافقت همه آنها قرار گرفت.

در این میان کارفرما کاملاً سوار بر دمی کرد و آنرا غیر قانونی می‌دانست. مسئولان متعددی نمایندگان کارگران با سنا بنده کارفرما بجای ترسید، در ضمن وقتی سنا بنده شورای انقلاب به کارخانه می‌آمد اعلام می‌کرد که سنا بنده می‌میرد شورای انقلاب، تا صوبت اما سنا بنده برای شوراها نباید هیچ شورای تشکیل خود اطمینان را بنمایند شورای انقلاب با مخالفت کارگران روبرو می‌شود از آن جهت وی می‌گوید: "چون شورا می‌تواند راهی تا کند که سنا بنده کارفرما را باطل می‌کنیم که به جواسنهای - در مورد سروس، افزایش حق مسکن و دادن حق اخراج و... رسیدگی کند."

در این موقع بعضی تحریکات و سنا بنده عوامل کارفرما (آنها تبلیغ می‌کردند که سنا بنده ها کمونیست هستند و آنرا آگاهی و توهم بعضی از کارگران بین صفوف فشرده آنها نداشت شکاف می‌افتد، بطوریکه با فشاری روی خواست شورا و رودر روی سنا بنده شورای انقلاب قرار

(۱) - در این گزارش و با گزارشهای دیگر، هر جا از شورا نام برده می‌شود، منظور شورا های لنینیست است.



پیروزی کارکنان صنعت و عقب نشینی مفتضحانه رژیم

تممیم فداکاری رگری ایستادند بجوسی میدانند که تنها برای آگاهی و هوشاری و در سایه وحدت و همبستگی خودشان بودند که توانستند علیه رژیم همه تلاشهای مذبحخانه و فاق افکانه معین - فروانجمنهای اسلامی و استبداد حزب حاکم نس به بخشنا می‌نمودند و روحیه ای پنجه شیب از حضور در سرکار خود را کردند.

پس از ۴ ماه مقاومت متحدانه کارکنان صنعت نفت در برابر این دستور العمل تحمیلی و اهمیت ندادن به اطلاعیه ها و بخشنا می‌های رنگ و وارنگ و گاه تهدیدات میوزی ریفنت (معین فر)، برانجام این کارگران رژیم پیشین و عضو شورای انقلاب اسلامی، زبونان در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارکنان صنعت نفت ناجا ربه عقب نشینی شد و تعطیل مجدد پنجه شیب ها را برای کارکنان صنعت نفت به استثنای ادارات مرکزی به رسمیت شناخت.

این عامل مزدور رژیم باقی، در حالیکه تحت فشار می‌رزد، کارکنان صنعت نفت ناجا ر به عقب نشینی مفتضحانه شده است می‌خواهد چنین وانمود کند که گویا به رسمیت شناختن مجدد تعطیل پنجه شیب ها در شرکت های وی و ا لطف شورای انقلاب بوده است! اما کارکنان

مبارز صنعت نفت که مصمما به در مقابل ایستادند (بنقل از مجله محلی "کمیته خورسان" شماره ۶)

بعد از صدور بخشنا می، دولت مبنی بر لغو تعطیل پنجه شیب، کارکنان صنعت نفت جنوب به شدت در برابر این بخشنا می، تحمیلی و اکثش نشان داد و در بسیاری از مناطق نفت خیز کارگران مبارز صنعت نفت عملاً اهمیت به این بخشنا می‌نمودند و روزهای پنجه شیب از حضور در سرکار خود را کردند.

پس از ۴ ماه مقاومت متحدانه کارکنان صنعت نفت در برابر این دستور العمل تحمیلی و اهمیت ندادن به اطلاعیه ها و بخشنا می‌های رنگ و وارنگ و گاه تهدیدات میوزی ریفنت (معین فر)، برانجام این کارگران رژیم پیشین و عضو شورای انقلاب اسلامی، زبونان در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارکنان صنعت نفت ناجا ربه عقب نشینی شد و تعطیل مجدد پنجه شیب ها را برای کارکنان صنعت نفت به استثنای ادارات مرکزی به رسمیت شناخت.

این عامل مزدور رژیم باقی، در حالیکه تحت فشار می‌رزد، کارکنان صنعت نفت ناجا ر به عقب نشینی مفتضحانه شده است می‌خواهد چنین وانمود کند که گویا به رسمیت شناختن مجدد تعطیل پنجه شیب ها در شرکت های وی و ا لطف شورای انقلاب بوده است! اما کارکنان مبارز صنعت نفت که مصمما به در مقابل ایستادند

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران سندیکیا پروژه ای آبادان و حومه

سین را هیما بان که عده آنها در حدود ۴ هزار نفر بودند صفوف فشرده شعار "اتحاد، اتحاد، اتحاد، رجمکنان اتحاد" را می‌رکوتی باز کارگران و کوی کارگریست مرکز شهر حرکت کردند. کارگران رجمکنان شعار می‌دادند:

- ۱ - فرار دادن می، بیمن اقتصاد می - آمریکا ی خونخوار ملعی باید گردد.
- ۲ - اموال آمریکا، بیمن رجمکنان ملی باید گردد.
- ۳ - کارگران رجمکنان، دشمن امپریالیسم سرما به را مزدور و نوکرا میربا لیم.
- ۴ - بیمه بیکاری حق مسلم ما ست. کار، کار، حق مسلم ما ست.
- ۵ - هفتاد هزار رگشته، چدها هزار زخمی، هرگز میاد بازش، هرگز میاد تسلیم.

بقیه در صفحه ۱۷

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران ۵۰۰ کارگران رجمکنان پروژه ای آبادان و حومه که همچون سایر کارگران سیکا روی پروژه ای سرانگشتورس از ده ماه از بقدرت رسیدن میوه - چینان انقلاب هنوز با هیولای بیکاری و لاجرم فقر و فلاکت دست بگریبانند و از آن می‌کنند این بیکاری خودشان از سیستم سرما به داری وابسته به امپریالیسم است و خاکست امپریا - لیم خونخوار آمریکا از عوامل اصلی این بلای خانمانشور است، روز جمعه ۳۰ آذر بدعوت سندیکیا پروژه ای آبادان و حومه یک راه - پیمایی ضد امپریالیستی برگزار گردید.

این راهپیمایی ساعت ۹ صبح از مقابل سندیکیا آغاز شد. قبل از حرکت راهپیمایان، به اجترام با لگرونها دت کارگران کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان یک دقیقه سکوت اعلام شد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

گرفتن در آن شرایط، خطر را بافتن عوامل
کارفرما در شورا (در صورت تشکیل) و ایجاد دیگ
شورای فرمانی را به همراه داشت. از اینرو
نمایندگان ۱۱ خواستار فاهی مطرح میکنند و
برای انجام آن ۱۵ روزه کارفرما مهلت
میدهند در فاصله این ۱۵ روز عوامل کارفرما
به توطئه های مختلفی دست میزنند تا کارگران
را دودسته کرده و آنها را رودر روی هم قرار دهند
اما آنجا که کارگران در خلال مبارزات نشان
نمایند ها را رهبر کارگران خود دیده بودند و نیز
منافع خود را در پیوستن به آنها میدانند و
ماهیت نهضت کارکنان تا حدی روشن شده بود
با وجودیکه نمایندگان را کمونیست مینامیدند
و مدتی به آنها بدبین شده بودند، دوباره به
آنها اعتماد کرده و از ۱۱ خواست پیشنهادی
آنها پشتیبانی نمودند. در روزهای پایانی
مهلت مهلت کار توضیحی نمایندگان، کارگران
مطمئن بودند که اگر خواسته های آنها پس از انقضای
مهلت برآورده نشود دست به اعتصاب بزنند.
از سوی دیگر کارفرما که حاضر بقبول
انجام هیچیک از خواسته های کارگران نبود
وقتی تیرهای توطئه ها پش از هر طرف سنگ
میخورد و تصمیم قاطع کارگران را می بینند
میگوشد با آوردن خواسته های ناچیزی مانند
سرویس، صبحانه و... کارگران را راضی کرده و
از دادن بقیه خواسته ها (مثل افزایش حق مکن،
دادن حق اخراج به کارگران... و...) زگرداندن
دفا ترمالی شرکت کلبیرون برده شده بود (۲)
ثانه خالی کند.

کارفرما در آخرین روز با قیام نامه از مهلت
تعیین شده، چند نفر را برای مذاکره پیش
نمایندگان میفرستد. پس از مذاکره نمایندگان
گان عیبی قول میدهند که تمام خواسته های
(۲) - عیبی دفا ترمالی را منظور دزدی از
سود ویژه و عدم پرداخت مالیات بیرون برده و
دفا ترمالی را به کارخانه آورده برده، برگشت
دفا ترمالی یکی از خواسته های کارگران بود.

کارگران را آنجا مدهند. نمایندگان در همان
روزی نشستی با حضور همه کارگران، نتایج
مذاکرات را به اطلاع آنها میرسانند.
کارگران از نمایندگان خود میخواهند که
برای بازگرداندن دفا تر و روز دیگر به عیبی
مهلت داده شود.

پس از گذشت این مدت نه تنها دفا تر به
کارخانه بازگردانده نمیشود، بلکه چندین مورد
از ۱۱ ماده مورد توافق نمایندگان کارگران
و نمایندگان عیبی هم نقض میگردد.
سرا نجا مهندس با کار توضیحی نمایندگان
اکثر کارگران دست به اعتصاب میزنند. حتی
کارگران قدیمی که در دفا تر قبل در اعتصاب
شرکت نمیگرفتند، این بار پس از مشاهده
قدرت عمل جمع و پیروزیهای بدست آمده به
اعتصاب می پیوندند. دفا تر اعتصاب بقدری
گسترش مییابد که کارگران مرزهای و فلاتونیز
(که در ابتدا تسلیم میگرفتند اعتصاب عملی ضد
انقلابی است) تحت فشار دیگر کارگران مجبور
میشوند با بقیه هما هنگی کنند. پس از گذشت
بگرو از اعتصاب، کارگران تقسیم زمزمه های
ساز را شروع میکنند. از این رو برای آنکه
اتحاد و یکپارچگی کارگران ادا مایا به، نمایندگان
- گان طی نشستی با کارگران تصمیم میگیرند
روزها را رکنند و شبها متحمن شوند. این تصمیم
با وجود مخالفت عده ای از کارگران کسبه
خواستار ادامه اعتصاب بودند، با موافقت
اکثریت به اجرا درآمدی آید. پس از دو مین
شب تحمن عیبی ناگزیر قبول میکنند که
دفا تر را به کارخانه بیاورد. در ضمن نمایندگان
دادستانی به کارخانه آمده و خواستار اجرای ۱۱
ماده میشود. بدین ترتیب تحمن کارگران در
خالیکه از وحدت و انسجام خوبی برخوردار
بودند با موفقیت پایا میگردید و کارگران
کارخانه عیبی در برابر اتحاد و همبستگی خود
گامی دیگر بجلو میبردند.

مستحکمتر با اتحاد و یکپارچگی کارگران
کارخانه دکتر عیبی

“نماین کارگران بیکار قزوین” و تحریکات حزب جمهوری اسلامی

... این حزب را افشاء کردند. در قسمتی از
اعلامیه مذکور می خوانیم :
“... حزب جمهوری اسلامی می گوید: مبارزه
طبقات (مبارزه کارگران با سرمایه داران)
انحراف از خط مبارزه، دفا میری لیستی است.
کارگران می گویند: مگر ما میری لیسمان
نازل شده؟ ما میری لیسم توسط پیکاه های
اقتصادی یعنی همین سرمایه داران وابسته
و غارتگر در کشورمان نفوذ پیدا میکند. بنا بر این
مبارزه ما میری لیسم تنها وقتی میتواند از
صورت حرف و عوا مفریبی در پیکاه این عاملین
میری لیسم یعنی سرمایه داران مبارزه شود.
ولی شما در عمل بجای مبارزه با میری لیسم،
بصورت حامیان آن درآمده، جلوی مبارزات

کارگران بیکار قزوین بدینال نظرات
بر شکوهی در روز سه شنبه ۲۲ آذر ماه، روز چهارم
شنبه ۲۸ آذر ماه در فرمانداری این شهر متحمن
شدند.

حزب جمهوری اسلامی و نیز دفا تر انقلاب
اسلامی قزوین طی اعلامیه های تحریک آمیزی
کارگران متحمن را دفا تر انقلاب نامیده و به آنها
اخطار کرده که اگر فرمانداری را ترک نکنند به
وسيله نیروهای ضربتی سپاه پاسداران آنها
را بیرون خواهند انداخت. پس از انتشار
اعلامیه تحریک آمیز حزب جمهوری اسلامی، عده -
ای از کارگران بیکار طی اعلامیه ای با عنوان
“۳ علام جنگ حزب جمهوری اسلامی به کارگران
بیکار را.” “سپاهای فدکا رگری، تحریف و اقمیات

کارگران این ستون مبارزات دفا میری لیستی
را سدمی کنید. رژیم انقلابی شما حتی قادر
نیست که جلوی آن مقامی را که در مسئولیت و
مقامهای بالا نقش مهمی دارد، و لیس از
سرمایه داران و جنتا پیکاری چون میرا شرافتی حمایت
می کند، بگیرد. در حالیکه بوق و کرنای ضد
میری لیست بودن دفا تر گوش فلک را زکیده است.
کارگران متحمن خواستار آمدن نماینده
وزیر کار و با شکوهی به خواسته های خود
بعد از ظهر دوشنبه سوم دی ماه ۵۸ نفر کارگر از
سیمان آبیک به فرمانداری آمده و میگویند از
طرف کارخانه می خوانند ۷۰ کارگر پیکار را
اخراج کنند. صبح سه شنبه ۹ کارگر متحمن به
سیمان آبیک می روند. ساعت ۱۲ دفا تر آنها
برگشته و می گویند که هفت رفیق کارگر ا کمیته
سیمان آبیک با زداشت کرده است. در همین
روز است که از زنجار به اتفاق نماینده وزیر
کار و چند نفر دیگر به سیمان کارگران متحمن میرود.
ابتدا استانداری را خبر می کنند. کرده و سپس کار -
گران مشکلات خود را مطرح می نمایند.
استانداری ضمن سخنانش می گوید: “بودجه -
ای برای استان ما در نظر گرفته شده و از این
هفته به خواهم طرحهای را به اجرا در آوریم.
در نظر گرفته ایم کمیسیون با شرکت فرماندار،
یک نماینده از شورای انقلاب، دفا تر از
کانون شورا های شهرستانی و... تشکیل شود.
شما مگر آنرا نه و طرحهای اجرایی با دفا تر این
کمیسیون کارگران استفاده نکنند.”

کارگران می گویند ما بطور موقت نماینده
- های خود را در این کمیسیون می فرستیم ولی
نا آزادی رفقای زندانیان به تحمن ادا مایا
می دهیم. حدود ساعت ۹ شب، دفا تر کارگر
مبارز آزاد شده و به فرمانداری می آیند. کار -
گران وقتی می بینند که اتحاد و همبستگی شان
موجب آزادی رفقاییشان شده، بسیار خوشحال شده
و آنها را غرق بوسه میکنند.

کارگران آزاد شده می گفتند: کمیته چی -
ها ما ننند واک از ما باز پرس می کردند و حتی
به یکی از ما پیشنهادش هوارشما می پول کردند
(که با جواب دندان شکن روبرو شدند).

کمیته چی ها گفته بودند که اگر شما به خواست
ما پتان برسید، افراد همه کارگران آبیک و...
متحمن می شوند.

یکی از کارگران می گفت: ما میدانستیم
که پشت سرمان قدرت بزرگی چون قدرت همبستگی
کارگران بیکار وجود دارد ■



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

شماره ۸ "پیکان" نشریه "عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال"، در تاریخ اول دیماه منتشر شده است. در این شماره مطالبی درباره سندیکای فرمایشی ایران ناسیونال، مقررات جدید سودویژه، جاسوسی امیرانتظام، ونیز چند خبر کارگری درج گردیده و آنچه در زیر می‌خوانید، قسمتی است از مقاله‌ای تحت عنوان:

بالاخره حرف نیروهای انقلابی در مورد امیرانتظام درست درآمد

طبقه سرمایه‌دار در جوامعی نظیر ایران نمی‌تواند بدون وابستگی به امیرالیم رشد کند. براین اساس بود که نیروهای مبارز ما هیت دولت موقت را افشا کرده و چهره‌های شناخته و شناخته‌اشده آنها را معرفی می‌کردند و در مقابل آقای بازگران نیروهای مبارز را اخلالگرونده انقلاب معرفی می‌کردند تا کیداشت که عفا دولت موردا اعتماد کامل من میباشند. حال آقای بازگران (نخست وزیر سابق دولت موقت و عضو فعلی شورای انقلاب) می‌پرسم: آیا شما آقای امیرانتظام را به معاونت نخست وزیر و سرخس گوی هیت دولت برگزیدید؟ آیا شما با رها تا کید نکردید که ایشان موردا اعتماد کامل من هستند؟ آیا شما نظرات آمریکا ش آقای امیرانتظام را ناشید نمی‌کردید؟ آیا سیاست شما با نظرات آقای امیرانتظام آمریکا ش هماهنگ نبود؟ و همچنین توجه به کارهای دولت بعد از قیام بهمن ماه، از کارگران مبارز می‌پرسم آیا سرمایه‌داران می‌توانند انقلاب را به آخر برسانند؟ آیا هیت دولتی که سئوگوش آمریکا ش با ندمی تواند خدا امیرالیم لیست باشد؟

که: چیزهای که شما گفتید بدقت زیادی می‌کیرد و چند سال طول می‌کشد ما بکار آمده ایم کنفدراسیون کارگران ایران را بوجود آورده ایم بعد از می توانیم سندیکا واحدیه بوجود آوریم (!) ...

یکی دیگر از کارگران پرسید: چه کسی کنفدراسیون را برسمیت شناخته اند و به آن اجازه کار داده اند. نماینده کنفدراسیون جواب داد: کنفدراسیون توسط وزارت کار برسمیت شناخته شده است. باید در جواب این هوادار سرمایه داری گفت مگر اداره کار بعد از قیام تغییر کرده است؟ آیا رژیم وابسته شاه اداره کار را برای چه بوجود آورده بود؟ مگر همین اداره کار نبود که قوانین ضد کارگری را تصویب می‌کرد؟ حالا همین اداره کار است که شما را مامور تشکیل کنفدراسیون ضد کارگری کرده است. نماینده کنفدراسیون در صحبت های خود گفت ما درجه را چوب جمهوری اسلامی کار می‌کنیم و چون موقعیت انقلابی است نباید دست به اعتصاب، تحصن و غیره زد. (!) ... کارگران مبارز! هوشیار باشیم. همیشه نوکران امیرالیم و سرمایه‌داران با وجود آوردن سازما نه‌ای بظا هر کارگری سعی می‌کنند مبارزات ما را به انحرا فیکشاند. ■



حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان

امپریا لیسم آمریکا دشمن شماره ۱ زحمتکشان ایران

هیئت حاکمه راست می‌گوید و خدا امیرالیم لیست است که ما می‌گوئیم نیست با بد تمام و وابستگی. ها را قطع کند ولی هیتها! کجا سرمایه‌داران می‌توانند خدا امیرالیم لیست باشند؟ کجا دولتی که در طی این ۹ ماه به سرکوب خلق کرد مشغول بود و ما را فریب میداد که با خدا انقلاب و ما و کسی می‌تواند خدا امیرالیم لیست باشد؟ دولتی که کارگران مبارز را به زندان می‌افکند (نمونه خرم‌دره، نخ زرین و...) دولتی که قرار داد ۲/۵۵ میلیار ددلاری برای لوازم بدکی اسلحه با آمریکا می‌بندد، دولتی که ما کسی سرمایه‌دارانی چون حاجی علی است می‌تواند خدا امیرالیم لیست باشد؟ نه، هیچوقت چا قودسته خودش را نمی‌برد. تنها دولتی واقعاً ضد امیرالیم لیست و تا آخر خدا امیرالیم لیست است که دولت کارگران و زحمتکشان باشد زیرا ما کارگران و زحمتکشان از آنجائی که در مبارزه با امیرالیم لیسم چیزی را نداریم که از دست بدهیم مگر زنجیرهای که سرمایه‌داران بدست و پیا می‌بسته‌اند، تا آخر علیه استثمار و استثمار مبارزه می‌کنیم. (در شماره آینده راجع به اینکه امیرالیم لیسم یعنی چه خواهیم نوشت). مرگ بر سرمایه‌داری وابسته! نابود باد امیرالیم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

"وحدت کارگری" نشریه کارگران مبارز "مینو" است که در دومین شماره آن مطالب متنوعی به چشم می‌خورد. سرمایه‌داران درباره امیرالیم آمریکا است. و در رابطه با مبارزات خلق کرد و چگونگی برخورد رژیم حاکم، رفتار دوم قانون اساسی و زحمتکشان ایران، سودویژه و برخورد شورای انقلاب به آن، مسئله زن... ونیز مقالاتی دارد. ما سرمایه‌داران را برای معرفی این نشریه انتخاب کردیم:

این روزها ما کارگران و زحمتکشان نفعی را که از خیلی پیش‌ها در دلبهایمان از اغارتگری‌های بی‌حد و حساب امیرالیم لیستهای مخصوص کثیف‌ترین آنها امیرالیم آمریکا انباشته شده است در کارخانه‌ها در خیابانها در همه جا با فریاد، با مشت گره کرده نشان می‌دهیم، ما درک می‌کنیم که وجود امیرالیم لیسم در ایران یعنی وجود همان سرمایه‌داران وابسته و دلال یعنی امثال خدای‌ها، لاجوردی‌ها و... و خسروثانی‌ها. ما خواهان مبهیتی مستقل و آزاد هستیم. بدین ترتیب نه تنها خواهان برگرداندن شاه شاهان جنایتکار را تمام شروتن به ایران و ما دره اموال او و ما که او عداوی در پیشگاه خلق زحمتکشان ایران هستیم، بلکه اسیرا کافی نمی‌دانیم و خواهان نابودی روابط سرمایه‌داری وابسته هستیم. اگر این

ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم

ما کنفدراسیون کارگران ایران را تشکیل داده ایم و کارگران بیابند در آن نام نویسی کنند و عضو کنفدراسیون شوند. اصلاً کنفدراسیون باید چگونه تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکا ها، اتحادیه کارگری بوجود آید. و بالاخره اتحادیه‌های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند... در جلسه‌ای که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سوا لاتی کردند که کجا ما ماهیت کنفدراسیون چی‌ها را روشن کرد و آنها را رسوا نمود: یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکا‌های کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده‌اید...؟ نماینده این کنفدراسیون ضد کارگری جواب داد:

نخستین شماره "پیک پوشش"، نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش به تاریخ ۵۸/۱۰/۶ انتشار یافته است. در این شماره مطالبی درباره نمایش "استشاه" و قاعده "در کارخانه پوشش"، کنفدراسیون کارگران، معرفی کتاب "جامعه سرمایه‌داری را بشناسیم"، مبارزه کارگران بیکار رگیلان و چند خبر کارگری درج شده است. ما قسمتی از یک مقاله را در زیر نقل می‌کنیم:

کارگران مبارز! همگی می‌دانیم که رژیم سرمایه‌داری وابسته به امیرالیم لیسم شاه برای اینکه بتواند جلوی مبارزات ما را بگیرد، زدن و زلکلهای زیادی استفاده می‌کرد. از جمله کارهای آن موقع درست کردن سندیکا‌ها و اتحادیه‌های فرمایشی (ما واک زده) بود... و حالا هم بکار می‌بینیم یک عده به کارخانه‌ها می‌روند و به کارگران می‌گویند که

قانون اساسی "خبرگان" زنجیرست به پای زحمتکشان

قطع مذاکرات صلح در کردستان و توطئه های جدید هیئت حاکمه



هیئت ویژه دولت در مذاکرات کردستان که پس از مدتی ها بهوی تبلیغاتی در اردبیل و تلویزیون و روزنامه ها در مورد صلح دوستی دولت و شورای انقلاب عازم کردستان شده بود، خیلی زود چهره واقعی خود را نشان داد. این هیئت در همان نخستین جلسات رسمی مذاکرات در تاریخ ۲۱ آذر ۵۸ به پیشنهاد ریوش فروهر مذاکرات را قطع کرد و بعد دروغ قطع مذاکرات را به پای هیئت نمایندگی خلق کردگذاشت، (مراجعه شود به سخنان دروغین مهندس سعیدی و پاسخ هیئت نمایندگی خلق کردستان و بیامداد ۲۸ آذر).

علت قطع مذاکرات را با بستن دردها می که این هیئت "حسن نیت" دنبال می کند جستجو کرد. این هیئت از همان آغاز کوشش کرده است:

اولا ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد را بر سر سؤال برد. هدف آنها از این کار اینست که نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی در این ترکیب حضور نداشته باشند تا بتوانند جناح بورژوازی و راستگاران این هیئت یعنی حزب دمکرات کنار بمانند. بنظر مهندس میاغانی و عزت الله سحابی (که هر دو از سران نهضت آزادی معلوم الحال هستند) در این مورد توجه کنید: "تنها نسبت به این مذاکرات خوش بین نیستند و رسیدن به یک تفاهم کامل را موکول به این میدانند که نمایندگان مردم کردستان از پافشاری برای عضویت بعضی گروهها در هیئت دست بکشند و امرای نورزنده در این صورت است که میتوان به جو مذاکرات خوش بین بود". (بیامداد ۲۱ آذر ماه) و با دروژنا میاغانی (۲۱ آذر ماه) میخوانیم که: "میاغانی به ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد اعتراض کرده است". و برعکس این هیئت اینجا و آنجا از حزب دمکرات تعریف و تمجید میکند: "دا ریوش فروهر در ۲۱ آذر ماه گفت: "خوشبختانه شخصیتها و مذهبی رهبران حزب دمکرات خواستار جلوگیری از هر گونه درگیری جدید و حل و فصل مسائل از طریق گفتگو هستند..." (بدین ترتیب می بینیم که فروهر این بار در برین بهشت را چگونه میخواهد تلویحاً نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد)

ثانیاً هدف دیگر این هیئت ویژه دولت که سیاست هیئت حاکمه را در کردستان دنبال می کند، عوامفریبی بوده از طریق مسافرت به نواحی مختلف و برادر خنثی و نماینده تراشی است. آنها به این بهانه که با مردم طرف هستند با نیروهای سیاسی (مترقی و انقلابی) تلاش میکنند که تا جای مفتی زاده ها که پیش خلق کرد رسوا شده اند و به خارج گریخته اند

بقیه در صفحه ۱۳

توطئه هیئت حاکمه برای تجدید جنگ در کردستان

اخبار کشتار سنج:

سندج شروع به تیراندازی هوایی میکند. شهرکالت فوق العاده گرفته و مردم شروع به سنگربندی میکنند. در اوائل شب با سداران دوباره تیراندازی را شروع کرده و عابری را هدف گلوله قرار می دهند. در این تیراندازی سه نفر از عابری درجا شهید شده و ۸ نفر نیز مجروح می شوند که در بیمارستان یکی دیگر از مجروحین نیز شهید می شود.

چهارشنبه ۱۰/۱۲ - هنگام صبح مردم اجتماع کرده و دنبال چاره جویی بر می آیند. نیروهای سیاسی درگیر راه حل های مختلف بوده اند که مردم به انگار بازاریان تصمیم به تحصن در استان داری می گیرند و در آن محل متحصن می شوند و همه نیروها را دعوت به تحصن می کنند. متحصنین عده ای از اصناف مختلف را بعنوان نماینده جهت مذاکره با استان داری و فرمانده پاگان و رئیس شهر باقی انتخاب می کنند و تذکری می دهند که این نمایندگان فقط برای مذاکره در مورد خروج با سداران انتخاب شده اند. از ۵ نفر نماینده یک نفر نماینده بازاریان، یک نفر معلم، یک نفر قاضی یک نفر دانشجو و یک نفر نماینده از کارگران بیکار بودند. در مذاکراتی که با استان داری و رئیس شهر باقی انجام گرفت توافقنامه ۷ ماده ای (۲) به تصویب رسید که برای پیشنهاد به دولت در اختیار استان داری قرار گرفت. استان داری در مذاکره با تهران پیشنهادت جدیدی را ارائه کرده به طوریکه موارد هفتگانه به طور دلخواه توسط رژیم تغییر داده شده مثلاً بجای شهر باقی موجود فقط از شهر باقی نام برده شده است و همچنین ارتش را حق به دخالت در امور شهر و حفاظت نیروگاهها نیست است. مردم قاطعانه با پیشنهاد دولت مخالفت کرده و اعلام میکنند تا خروج بی قید و شرط با سداران همچنان به تحصن ادامه می دهند.

پنجشنبه ۱۰/۱۲ - تحصن ادامه دارد. از روز قبل تمامی مدارس، ادارات و موسسات شهر تعطیل شده و همه مردم شهر همبستگی خود را با متحصنین تا خروج کامل با سداران اعلام کرده اند. نماینده ای از طرف هیئت دولت به سندج آمده تا با نمایندگان متحصنین مذاکره کند. امروز در شهر شایع است که ارتش از کربلا نشاء به سمت سندج آمده و در کربلا متری کا میباران بقیه در صفحه ۹

سرو درگیری: شنبه ۱۰/۵۸ - امروز دوباره با سداران ارتجاع، به سمت یزین خارج به جهت حوچ گیری مراجعه میکنند. در حین حوچ گیری بیشترگان حزب دمکرات سر رسیده و آنها را قطع سلاح میکنند. یکی از با سداران دستگیر و دیگری موفق به فرار می شود. بدینال این ماجرا با سداران مستقر در اردبیل و تبریز به محل آمده و در خیابان ورودی تبریز حوچ گیری و شروع به تیراندازی میکنند. سن بیشترگان و با سداران درگیری شروع می شود. سن با سداران از فرمانده پادگان سندج - ۲۸ کردستان - تقاضای مداخله می کنند و پس از ۴۸ ساعت آتش را اعلام می خود. در این رد و خورد آتش رادو - تلویزیون آسیب دیده و سرباهای آن قطع میگردد. در مذاکراتی بین، خروج با سداران از سمت در طرف ۴۸ ساعت قید شده بود. اما با سداران بعد از مدت مغرورانه به تبریز می روند. نیروهای سیاسی تبریز به منظور جلوگیری از درگیری ۲۴ ساعت دیگر آتش را نمیدهند. در شنبه ۱۰/۱۱ - امروز هیئت ۲۴ ساعت آتش سی مجد و به نام بود که ساعت ۲ بعد از ظهر اعلامیه مشترک ارتش به حمایت از با سداران در اردبیل و قرائت شده و نیز یک فانیوم ساعت ۲ ساعت در آسمان شهر دست به ما نوردیده است. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر هکذا می کشد. ۳ ساعت بعد با سداران آتش سی می باده بود یک حین متعلق به سداران در حین عبور از خیابان یکی از بیشترگان ساهزکاری (۱) را هدف گلوله قرار میدهد. بیشترگان نیز با شلیک محدود گلوله با سداران مزبور را رجمی می کنند. اما سن را چ کرده و موفق به فرار به مرکز سداران میشود. بدینال این جریان با سداران مستقر در سگاه افشاران

(۱) - در مورد "سپاه زرکاری" که در درگیری های اولیه نیز بهشت داشتند اندک آوری کرد که این سپاه طرفداران شیخ عثمان رهبر فرقه نقشبندی است که از مراجع مرتجع بوده و طرفدار و وابسته به رژیم بعث عراق است و از نظر نظامی و سیاسی کاملاً از رژیم عراق تغذیه میشود. رهبری این سپاه در دست دکتر مارچ پیر شیخ عثمان (که گفته میشود مستقیماً وابسته به واک بود) و شیخ جمال می باشد.

(۲) - زیر نویس در صفحه ۱۳

برقرار باد خود مختاری خلق چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



گزارشی از مبارزات دهقان روستای "کجلده" از توابع آمل

روستای "کجلده" حدود ۴۵۰ خانوار (تقریباً ۳۰۰ نفر) جمعیت دارد که ۳۰ خانوار آن بی زمین و ۱۲ خانوار کم زمین می باشند. تنها یک خانوار دارای حدود ۵ هکتار زمین آبی و ۲ هکتار زمین دیمن بوده و جزو دهقانان مرفه محسوب می شود. مقدار زمین آبی این روستا که بهنگام اصلاحات آبی گذاشته شده بود ۲۲ هکتار است. مالک این روستا شخصی بنام "حیدر اسکندری" می باشد که در زمین ها و خانه ها سرپرستی بانک کشاورزی مازندران را بعهده داشت. به هنگام "اصلاحات ارضی" قرار بر این گردید که این شخص ۲ زمین های آبی و دیمنی را به دهقانان واگذار نماید و ۱۰ باقیمانده در تملک وی باقی بماند. اما او بدلیل نفوذ خود در دستگاه های دولتی رژیم توانست سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد. بعنوان مثال در مورد ۱۵ هکتار زمین دیمنی که طبق قرارداد میسبایست ۱۰ هکتار آنرا به دهقانان واگذار کنند، از این عمل خودداری نمود. دهقانان در مقابل حق کشتیهای مالک با راههای مفاومات رژیم سابق شکایت بردند اما رژیم ضد خلقی شاه به خواستهای آنان ترتیب اثر نداد. در سال ۱۳۵۵ مالک

تصمیم به حفر چاه بر روی زمین نمودن آنرا به زیرکشت در آورد و با مقاومت شاهانه دهقانان روبرو گردید و در این کار موفقیت نیافت. پس ا قیام خونین بهمن ماه دهقانان این روستا شکایتی بر علیه "اسکندری" به دادگاه انقلاب تسلیم نمودند، اما چون عملاً دیدند که مقامات به خواستهای آنان پاسخ مثبت نمی دهند، پس از گذاشتن جلسات متعدد و بحث بیامون مسئله زمین، سرانجام در شهریور ۱۳۵۸، ۱۵ هکتار زمین را به نسبت مساوی بین خود تقسیم نمودند. "اسکندری" نیز بیگانه نشسته به شایعه پراکنشی در مورد حمله چاقو را نش به دهقانان پرداخت. بعد از گذشت مدتی، با اوگیری مبارزات دهقانی با سرپرست های منطقه (از جمله میرآباد)، اهالی روستای "کجلده" نیز در تاریخ ۵۸/۹/۱۴ زمین های مملو شده را شخم زده و به کشت گندم اختصاص داده اند. تاکنون تحریکات، دسائش و اعمال فشار باسداران، مقامات اداره کشاورزی و ... نتوانسته است در ارا ده استوار دهقانان این روستا خللی وارد سازد.

دهقانان مبارز امیرآباد

در شماره قبل "پیکار" (۲۶)، گزارشی داشتیم از اقدام انقلابی شاهانه دهقانان مبارز روستای امیرآباد آمل در مورد مصادره بیش از ۲۵۰ هکتار زمین های فئودالهای منطقه. در رابطه با این موضوع، حوزه مازندران سازمان، اعلامیه ای در تاریخ ۵۸/۱۰/۲ منتشر کرده است که ما قسمتی از آنرا در زیر نقل می کنیم:

... ما ضمن درود فراوان به این اقدام انقلابی شما، برای حفظ و مستحکم نمودن پیروزی های بدست آمده، برای درهم شکستن توطئه ها و اتفاقات فکشی های مالکین و ایسادی آنها و نیز تهدید پادشاهان، توجه شما را به نکات زیر جلب می کنیم:

۱- برای حفظ وحدت و یکپارچگی خود در مسائل مربوط به ده و به خصوص در مواقعی که تصمیم های مهمی می خواهید بگیرید، لازم است که بطور مرتب جلساتی با یکدیگر داشته باشید.

۲- برای هماهنگ و منظم کردن کارها و اموری که در پیش دارید، چند نفر را بنده از بین خودتان که بیش از همه در راه هدفها و خواسته های شما فعالیت و فداکاری کرده اند، انتخاب نمایید.

۳- توجه داشته باشید که کارگزارانی که روی وسائل کشاورزی کار می کردند همچون شمشیر کشاورزان، در رنج و زحمت بسر برده و حتی مدتها بوده که حقوقشان را دریافت نکرده بودند. لذا ضروری است که حتماً یک نفر از طرف این کارگران (البته میازترین و آگاه ترین آنها) بمسوا نماینده آن کارگران، در جلسات شما حضور داشته باشند.

۴- از نفوذ عناصری که در حرکت انقلابی شما سنگ اندازی می کرده و به اصطلاح آنرا خلاف مسیر انقلاب می دانستند جدا جلویگیری کنید تا در اتحاد دوگانگی شما خللی وارد نشود.

۵- سعی کنید که زهر طریقی که میتواند با روستاهای دیگر و به خصوص با روستاهای طرف (بقیه در صفحه ۱۷)

يك نکته كوچك!

در سخنانی آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای رئیس سپاه پاسداران و معاون وزارت دفاع در روز یکشنبه ۵۸/۱۰/۴ در پاریس یکم شکایتی دربار "محسنات ارتش" لزوم "وجود طاعت کورکورانه"، "لزوم سرکوب خلق کرد توسط ارتش" و... سخنانی مبسوطی ابراز کرد. ما لزوم سرکوب و تنگ مواردا بین سخنانی را نمی بینیم، زیرا که با راه در شمار ه های بیگانه نظرات و عملکردهای هیئت حاکمه را در باره ارتش افشا کرده و نقش فمردمی این دستگاه را شرح داده ایم. لیکن یک نکته در سخنانی آیت الله خامنه ای چشم میخورد که قابل توجه است. در این سخنانی ایشان البته "انتقاداتی" را به گذشته ارتش وارد میداند. از نظر ایشان این انتقادات در شرکت ارتش در جنگ کاناال سوشل بر علیه عبدالناصر، همکاری در توطئه خونین علیه خلق فلسطین در سپتامبر سیاه (کشتار در اردن) و کشتار ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور خلاصه میشود. ولی گویا آیت الله خامنه ای یک نکته کوچک را در باره "انتقاد ارتش" به ارتش فراموش کرده است یعنی شرکت وسیع و همه جا بنده این ارگان ضد خلقی در سرکوب خونین و وحشیانه خلق عمان، ولی با توجه به تذکرات دهقانان به عمداً این حرکت ضد خلقی را مسکوت میگذاشتند و کلامی در باره آن بر زبان نمی آوردند. تاکنون کدام "دادگاه انقلاب اسلامی" بوده است که حتی یکی از فرماندهان ارتش شاه را بدلیل مشارکت در سرکوب خلق تعدیده عمان (ظفار) بهای میز محاکمه بکشد؟ بعکس، ایشان همان فرماندهان ضد خلقی را هم به پستیهای آبدونان دار را بنده اند و زیرا که هیئت حاکمه کنونی خود یکی از جبهه مشترکشان را با هیئت حاکمه سابق در همین سرکوب ارتش در ظفار بمیدان دوی دلیل نبود که مدتی مزدور از لزوم سرکوب مجدداً بین خلق دلاور توسط ارتش ایران سخن میگفت، بدنیت ایشان را که کم که منابع موثق تا بکند میکنند همزمان با لشکرکشی شام به ظفار، عده ای از مبارزان ایرانی که در آنروزها در عراق مقیم بودند به منزل آیت الله خمینی در نجف مراجعه میکنند و خواستار میشوند که آقای خمینی این اقدام رژیم را طی اعلامیه ای محکوم نماید. فرزند بزرگ آقای خمینی، یعنی مرحوم سید مصطفی خمینی یکروز بعد جواب میدهد: "ما که نمیتوانیم همه اقدامات رژیم را محکوم کنیم، بالاخره آنها کمونیست هستند!"

آیا همین سیاست نیست که در ایران پس از شاه، در پاریس میشود؟ و این سیاست در خدمت چیست؟



کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

فلسطین - ایران: یک سنگر



"امروز ما همراه با یکدیگر، با نژدهمین سالگرد آغاز انقلاب فلسطین را جشن میگیریم. سالگردی که انسان فلسطینی تنگ بدوش گرفت و میانه رزده شور و غوغای علیه صهیونیستهای تجاوزگر به سرزمین آباء و جدانش را آغاز نمود. فلسطینی، بعد از توطئه های نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی علیه سرزمینش، بعد از آنکه درگ کرد برای بازیگری گرفتن فلسطین محبوب خود را، غییر از اسلحه برداشتن نیست، تنگش را بدوش گرفت."

و در جای دیگر:

"ما از شما و خلق کبیرا ایران با طبر حمایت از خلقمان در سرزمینهای اشغال شده و حمایت از انقلاب فلسطین در مقابل توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی از کمپ دیوبند گرفته تا طرح توطئه امیزی که ترا خود مختاری ساحل غربی مینا مند، تشکر میکنیم." سیمیا مجمع دانشجویان مترقی عرب فراشت شده در آن بالحنی حماسی، پر شور و طاع سیمیا مجمع دانشجویان مترقی عرب فراشت شده در آن بالحنی حماسی، پر شور و طاع تریایط اجتماعیه سیمیا ای که منجر به طلوع خورشید انقلاب مسلحانه خلق فلسطین گردید بر سر مرده از توطئه ها، مصفا و خیانتها سپرده برداشته بود، منجمه به خیانت احزاب روبریو- نیستی اثار کرده و چنین میگفت:

"آنان (انقلابیون فلسطینی) خیانت احزاب "کمونیست" در شوروی و در کشورهای عربی را به آلمان خلقها و آلمان طیفه کارگر، ثابت کردند. اختلاف خیانتکارانه این احزاب با سرمایه داران دولتی را مفتضح و بر ملا کردند و در مورد کمیدی انتقال مصلحت آمیز قدرت نیز آفندری پایکی و پوئالی بودن آنها عیان نمودند که با بدگفت وای بحال مدافعان بیچاره این توهان."

رفقا دیگر صحبت از سازش و روبریو نیسم معنی ندارد، "تحول تدریجی" تحولی است ضد خلقی و ضد ملی و ضد میهنی. بلی رفقا، انقلابیون، مجرمان زمانهای خرده بورژوازی را سبونا لیستی را که در قدرت

روبرینجتنه ۱۳ دیماه، بدعوت سازمان ما مراسم انگوئی بمناسبت نژدهمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. پوسترها و پلاکاردهای متعددی که هرکدام به نحوی پیوند ناگسستنی بین خلقهای ایران و فلسطین را در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و متعسک میکردند و راههای دانشگاه سالن بر - کراری جشن را ترشین مینمود. بزرگداشت این روز تاریخی با مقدمات لازم تبلیغی در سطح شهر، و با آجاکه امکان داشت، همراه بود.

سازمانهای ارتکابهای مربوط به فلسطین در محوطه دانشگاه صنعتی شریف ترتیب یافته بود و شورای از سرودهای فلسطینی همراه با ترجمه در اختیار علاقمندان قرار گرفت.

جدیدین هرا بر گرد این مراسم شرکت نمودند و حمایت خود نسبت به مبارزه انقلابی خلق فلسطین را با شور و حسن برانگیزا اعلام داشتند. مراسم با سرود کبیرا نتر را سبونا و سپس سرود ملی فلسطین (بلادی، بلادی) در حالیکه حمار سبنا حاسه و مشتای خود را در فضا گره کرده بودند آغاز شد. بعد برای ادای احترام به شهدای هردو انقلاب، حمار یک دقیقه سکوت کردند.

سیمیا مجمع سازمان بیکار در راه آزادی طیفه کارگر بمناسبت برگزاری این جشن فراشت کردید. در این بیا گفته شده بود:

"۱۵ سال پیش، انقلاب خلق رنجیده فلسطین بیا ارتکبها و بیا کدکبهای بسیار وارد در مرحله نویستی از حیات خویش گردید. با تجربه کبری ارتکبهای گذشته و بایی بریدن به ما همت مدخلی ارتجاع عرب و رهبران سازش - کار فلسطینی حرکت انقلابی و سازمان یافته سوسی آغاز گردید. ما انجام اولین عمل مسلحانه در سرزمینهای اشغالی بر علیه دشمن صهیونیستی راه نویستی در بین بای خلق فلسطین کوده شد. بیا سبناهی قبلی نکت سازمان الفصح سوانت با جلب حمایت بوده ههای فلسطینی و سبنا آمان ادامه حرکت خود را بضمین بماند."

همچنین بایی نکته اثار شده بود که:

"امروز در شرایطی این جشن را برگزار می کنیم که همت خاکه جدید علیه رجم تبلیغات خوش اربان بر دی ها و امیرانتظام ها، رسماً اعلام میکند که از هر گونه کمک مالی و مادی به انقلاب فلسطین خودداری میکند و این در حالی است که کمک با ندمجران کمکهای فراوانی از حزب خلقهای ایران به سازمان اصل داده میود. سازمانی که همیشه از پشت به انقلاب فلسطین حجز شده است. علاوه بر این ما تا حدیم که چگونه چمران حتی در مساجد بر علیه انقلاب فلسطین سخن میگوید و چگونه هیت خاکه کونید دمنر سازمان آزادیبخش فلسطین در غوزستان را بسدد. بیا برای طیفه نیروهای انقلابی است که بیا از پشت در تبلیغ آلمان و اهداف خلق فلسطین در بین توده ها، کوشا باشند. همیستی انقلاب ایران و فلسطین را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع توسعه دهند و در همین رابطه چهره فریبکارانه هیئت خاکه را افشا سازند."

دز بیا ما اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی تا خه ایران که بعد از فراشت شد منجمه چنین آمده بود:

سبیم هستند، آشکارا هستند، آلمان اشتلاسی از خرده بورژواها، دمکراتهای انقلابی و نیروهای مارکسیستی در عرصه مبارزه مسلحانه بجا د کرده اند. اشتلاسی که هنوز با برجاست. نیرو - های مارکسیستی جنبش راه رورود را از درپیش دارند و در این راه، جنگ لبنان تمهین کننده است، همچنان که مکانات رشد نیروهای انقلابی در منطقه و تشبیرات ناشی از آن.

رفقا! اینکه سازمان پرافتخار شما دست به احیای این مراسم در این روز پرشکوه زده است، دلیلی است بر روابط استراتژیک و بهم پیوسته خلقهای ما، پیوسته انفکاک ناپذیر و مستحضر، پیوسته است در راه یک شبرد طولانی با امپریا - لیسم و صهیونیسم، و استوار و پشمر در راه مبارزه با ارتجاع داخلی، با سرمایه داران غارتگر و وطن فروش."

بعد، بیا مدانش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان بیکار خوانده شد. سپس دو دانش آموز خردسال که بکی شعری و بیا می را نوشته بودند دیگری آنها را شورت نام خوانده پشت تریبون قرار گرفتند و از سبنا آموزان هوادار سازمان، دبیرستان ابو دینش فلسطین را تبریک گفتند.

در باره انقلاب فلسطین و مرادلی که تا کنون خلق فلسطین از سرگردانده مقالاتی تهیه شده بود که تیرت آنها را بترتیب زیر میخوان گزارش کرد:

آغاز انقلاب، جنگ ژوش ۱۹۴۷ اعراب و اسرائیل، جنگ کرامه ۱۹۴۸، توطئه ها در لبنان و اردن (سپتامبر ۱۹۴۷)، مرحله مبارزاتی و تلاش برای تجدید قوا، جنگ لبنان و دخالت سوریه و سقوط تل الزعتر، جنگ در جنوب لبنان و انقلاب ادامه دارد.

چندتا از مقالات فوق که در فوایل آنها بیا ما، شعرها، شعارها و نیز سرودهای فلسطینی همراه با ترجمه اجرا میشدند و فراشت گردید و امید - واریم این مقالات پس از تکمیل بمسورت جزوای منتشر گردد.

دو تن از رفقا شای که مشخصاً در جنگهای لبنان در سالهای ۵۴ و ۵۵ شرکت داشته اند برخی از خاطرات خود را برای حمار بیان کردند و از انقلابیون ایرانی که در جبهه های شبرد فلسطین مشارکت داشته اند یاد نمودند.

بیا می نیز از سبنا زحمتکاران اسلام شهر هوادار سازمان بیکار رو بیا می دیگر از سبنا جمعی از کارگران بیکار خوانده شد.

در بیا بیا و پیش از سبناش فیلم فلسطینی "الارض که بخشی از مبارزات و تظاهرات مردم داخل سرزمینهای اشغالی بمناسبت روز ۳۰ مارس را نشان میدهد، قطمانه میبشنگ فراشت شده متن آنها در زیر می آوریم:

قطمانه بیا بیا مراسم ما شرکت کنندگان در جشن با نژدهمین سالگرد انقلاب مسلحانه فلسطین، بمن تبریک این عید ملی به خلق قهرمان فلسطین در داخل



راهپیمایی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان و حمله ارتجاع

زحمتکشان و خلقهای قهرمان، راه نفوذ بیش از پیش امپریالیستها را هموار نموده است.

۳ - از آنجا که به اعتقاد ما مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری وابسته نمیباشد، مبارزات کارگران، بیگانه بر علیه سرمایه داران مفتخور و دهقانان زحمتکش سر علیه زمینداران خونخوار و عمل انقلابی زحمتکشان برای مبارزه زمینها و خانه های وابستگان، جزئی از مبارزات خلقهای ما بر علیه امپریالیسم بوده و وظیفه خود دودیک انقلابیون را شرکت هر چه بیشتر در این مبارزات و گسترش آنها میدانیم.

۴ - ما ضمن پشتیبانی از خواسته های برجسته خلق کرد، توطئه های هیئت حاکمه را بر علیه آنها محکوم کرده و اعلام میکنیم که هیئت "حسن نیت" دولت همچنان که تا کنون نیز نشان داده است حاضر به پذیرفتن هیچیک از خواسته های برجسته خلق نگردد و در تمام این مدت تنها قصد تفرقه در میان هیئت نمایندگی خلق کرد و موش کردن ذهن سوده ها بر علیه نیروهای انقلابی را داشته است.

۵ - ما ضمن افشای جاسوسان امپریالیسم نظیر انتظامیها و لیبرالهای خائن نظیر بازگان که تنها از طریق حفظ واحای سیستم سرمایه داری وابسته قادر به ادامه حاکمیت خود میباشند اعلام میداریم که غلیم کردن بعضی از خیانتها و خیانتکاران و سازشکاران و نوکران امپریالیسم تنها سریش گذاردن و آب تظلم ریختن بر اعمال و سیاستهای هیئت حاکمه ضد خلقی است که امروزه بر اثر شوشتن انقلاب، آبزوله و افشا شده و دعواهای درون آن نیز بلا گرفته است.

۶ - در ضمن ما به شما می نیروهای انقلابی که زست خدا امپریالیستی هیئت حاکمه نیست به ما هیت واقعی رژیم دچا ر توهم گشته اند هشدار میدهم که مواظب حملات و یورشهای ارتجاع و توطئه های جدید آنها بر علیه خلق و انقلابیون و کمونیستها نبوده و هوشیاری خود را از دست ندهند. دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر دانشجویان و دانش آموزان و افراد را ز میان بیگانه ر در راه آزادی طبقه کارگر

عمر سه شنبه ۱۵/۱۱/۵۸ یک راهپیمایی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی از طرف دانشجویان مبارز... و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان ما ترتیب داده شده بود. این راهپیمایی که از همان ابتدا با مزاحمت و حمله و با شان فالتز و یورش و زدن آشکارا و تهران شروع و پس از پیچیدن خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان کارگر، خیابان جمهوری با یورش فالتزها اجباراً خاتمه یافت. راهپیمایان که شعارهای نظیر: "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، "با صدها رزمی دهها هزار گشته"، "مبارزه با خائن چراغ دزدت رسید"، "با این مسیر را طی کردند. ما لایزهای نا آگاه و مرتجع که متخماً از قبل سازمان داده شده بودند اعلامیه - هائی سر تا سر دروغ و مستحق ستاریخ همان روز علیه سازمان ما بخش میکردند و با وجود حفظ مناسبات ارتجاع با راهپیمایان، فالتزها به مغلوب نظر هر کنندگان حمله برده و آنانرا مضروب ساختند. اوج گرفتار. حملاتی این چنین با دیگر نشانه های ارتجاع را که در هفته های اخیر بر شدت حملات خود به نیروهای انقلابی و مترقی افزوده است نشان می دهد.

در این راهپیمایی قطعه های نیز منتشر شده که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه میکنید:

اعلامیه خطاب به خلقهای مبارز ایران از جنبش توده ها، خیانت لیبرالها و خزان اقتصادی - اجتماعی که تنها نگذردگی سیستم سرمایه داری وابسته است... سخن گفته و اعلام نموده است که:

۱ - همانگونه که تا کنون بارها گفته ایم مبارزه با امپریالیسم تنها از طریق قطع نفوذ امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه داری وابسته امکان پذیر است.

۲ - هیئت حاکمه در مدت یکسال پس از قیام بهمن ماه علیه همه ظاهر و باطن امپریالیستی به خود گرفتار شده تنها کوچکترین قدمی در راه بریدن بندهای وابستگی به امپریالیسم برنداشته است بلکه از طریق بازسازی ارتش دست پرورده ژنرالهای آمریکائی و دعوت از سرمایه داران وابسته برای سرمایه داری به گداریهای مجدد و مرکب مبارزات کارگران،

سرمزمنهای اشغال و غارت آن، اعلام میداریم که:

۱ - از حق عادلانه خلق فلسطین در بارگشت به وطن، آزاد کردن آن و ایجاد دولت دمکراتیک فلسطین پشتیبانی میکنیم.

۲ - جنبش مسلحانه خلق فلسطین را جزئی از مبارزه خلق عرب، جزئی از مبارزه خلقهای متعدده منطقه و جهان علیه امپریالیسم، مهموینسم و ارتجاع میدانیم.

۳ - ما راههای تسلیم طلبانه را که از سوی امپریالیستها و ارتجاع منطقه تحت هر پوششی ارائه میشود و هدف آن خلق سلاح خلق فلسطین و نابود کردن آلمان اوست، فالتزانه محکوم میکنیم و از نیروهای سازشناپذیر فلسطینی که در برابر توطئه ها و وعده و وعیدها سر تسلیم فرود نمی آورند و بدین پشتیبانی میکنیم.

۴ - ما توطئه یورش و آری وابسته بر رهبری سازمانها و همپا لکهایش، توطئه خود مختاری خلق فلسطین در ساحل عربی و غزه توطئه کنفرانس های بین المللی نظیر کنفرانس ژنو و کمپ دویوید، توطئه ایجاد تفرقه بین شعبان جنوب لبنان و انقلاب فلسطین که وسیله دارودسته امل دامن زده میشود، حملات نیروهای دست راستی لبنان همچون هرگونه کوشش برای قیومت سر خلق فلسطین و از بین بردن استقلال عمل آنرا جلگی محکوم میکنیم.

۵ - ما سازمان آزاد بخش فلسطین را که کلیه سازمانهای انقلابی فلسطینی در آن عضویت دارند به شما توصیه نموده ما سوسی خلق فلسطین بر سمیت میثاق سیم و از نیروهای انقلابی فلسطینی محمله لغت و وجهه خلق برای آزادی فلسطین بر رهبری رفیق زورخشی حمایت میثاقیم

۶ - ما بنام خلقهای مبارز و قهرمان ایران اعلام میکنیم که در ایران باید برای انقلاب فلسطین امکانهای ناگهانی نظامی، کمکهای مالی و تسلیحاتی، کمکهای تبلیغاتی نظیر فرستادن رادیوئی فراهم شود. ما با ست قریب کاری و استفاده از فلسطینی ها و عدم کمک به آنها را که از سوی رژیم ایران و وسیله یزدی ها و چمرانها تا کنون اعمال شده محکوم میکنیم.

۷ - ما خواستار آن هستیم که روابط مستمر انقلابی بین سازمانهای توده ای ایرانی و فلسطینی، بین اتحادیه های کارگری، دهقانی دانشجویی و دیگر اتحادیه های خلقی دولت، ایجاد و تقویت گردد.

۸ - ما به خلق قهرمان و نیروهای مترقی لبنان که با الهام شدیدترین حملات ارتجاع و امپریالیسم را تحمل کرده و هم دوش انقلاب فلسطین می کنند، درود میفرستیم و همچنین پشتیبانی خود را از انقلاب خلق عمان اعلام میداریم.

۹ - ما به شما ی انقلاب فلسطین و ایران، به رزمندگان ایرانی که در بارگاههای انقلاب فلسطین آموزش دیدند و به انقلابیون فلسطینی که از هیچگونه کمکی به انقلاب و انقلابیون ایرانی دریغ نکردند و درود میفرستیم و با خون شهدان پیمان میبندیم که تا نبودی کامل سلطه امپریالیسم برنا نبودی میونسیم و ارتجاع هم دوش با خلق فلسطین به مبارزه ادامه دهیم.

۵۸/۱۰/۱۲



ایران بر وند و از آنرا بخوانند که از شهر خارج شوند. این مسئله مورد مخالفت نیروهای سیاسی قرار می گیرد.

جمعه ۱۵/۱۲/۵۸ - عده ای از متحمین صبح زوده مسجدا مع رفته و در آنجا متحصن میشوند تا ظاهراً جاش های مفتی زاده این کار را نکنند ولی بعداً معلوم می شود عده ای از عتبات مرفتی - زاده نیز در بین آنها نفوذ کرده و سعی میکنند شعارهای سیاسی را تبدیل به شعارهای مذهبی کرده و حتی چند بار اعلامیه های از طرفداران مفتی زاده پخش می شود.

امروز عده ای از بیطرفان که به محلات فقیر - نشین رفته و لروم آموزش نظامی را به مردم تانکیده کرده و آنانرا آموزش می دهند. ظهیر یک حداثت و اقامه کمی روی شهر ما شور می دهد. نیروهای سیاسی در آنجا مده باش هستند و در شهر سرگرا همچنان باقی است.

بقیه از صفحه ۶
توطئه، هیئت حاکمه...

متوقف شده است. بیست مرگان بیگانه قبل به استناداری مراجعه کرده و مسئله محاکمات از استناداری را مطرح می کنند ولی به پیشنهاد متحمین برای جلوگیری از هرگونه درگیری از این کار منصرف می شوند در ضمن امروز شایع است که جاش های مفتی زاده تصمیم دارند در مسجدا مع متحصن شوند و حتی اعلامیه ها ششی نیز از طرف آنها برای حمایت از بازداران برای باقی ماندن در شهر پخش می شود. امروز اعلامیه های برای هوشیاری مردم نسبت به ارتش توسط نیروهای سیاسی در شهر پخش شده و به مردم متذکر شده است که به نحی و مبارزه سیاسی اکتفا نگردد و ماده مقابل با ارتش و هجوم مجدد آنان باشند.

شایع می شود باز این تفهیم گرفته اند فردا صبح کفن نموده و به سمت محل باید -

زیگراگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۳)

گاهی گذرا به مواضع سیاسی گذشته "اتحادیه کمونیستهای ایران"

از مسئله قدرت سیاسی در ایران عرض نکرده و همیشه از یک زاویه خرد - بورژوازی بدان نگاه میکرده اند. بطوریکه یک زمان سرگونی رژیم سرما به داری وابسته در ایران را در "سرگون کردن رستاخیز" و "داغان کردن پایگاهی شدن رژیم محمدرضا ناهی" و با ردیگر در سرگونی دربار پهلوی جستجو میکرد. به نقل قول زیر توجه کنید:

"در همین ماه هرگز در تحت رژیم شاه، نتیجه دمکراسی بورژوازی نمی توانست وجود یابد. سرگونی دربار شاه و بدست توده های مردم، بیش شرط هر گونه دمکراسی در کشور ما است" (تاکید ما است - حقیقت شماره ۶۱ ص ۱۲۵۵) بدین جهت می بینیم که "حقیقت" مبارزه بر علیه سرما به داری وابسته

● اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا می کرد، اکنون این نیرو همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را علاوه بر مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده است.

و در این آستان شاه را تحت عنوان مبارزه برای "سرگونی دربار شاه" بصورت یک مرحله و "پیش شرط هرگونه دمکراسی در کشور ما" در آورده است. ایمن درک، درک لیبرالی از قدرت سیاسی ایران پیش از قیام بهمن ماه است، زیرا "سلطنت" را که اساساً یکی از ارکان و اجزا سیستم سرما به داری وابسته و سلطه امپریالیسم در ایران بود (هرچند که جز مهمی از آن باشد) از خود این سیستم جدا کرده و بنا بر این سلطه امپریالیسم و سیستم سرما به داری وابسته را هدف یلای سلطه انقلاب ایران و مبارزات توده ها قرار نمیدهد. کما اینکه در نتیجه قیام نیز رژیم سلطنت و "درا ری پهلوی" و "رستا خیز" سرگون شد، اما سیستم سرما به داری وابسته علیرغم همه بدین، بدلیل ماهیت نیروهای سیاسی مسلط برجست، کماکان حفظ کردید. این درک وجوه مشترکی با درک لیبرالی رفیق چینی که مبارزه بر علیه سرما به داری وابسته و در این آستان با ندم زور شاه را تحت عنوان "مبارزه بر سر ضد دیکتاتوری شاه" از مبارزه ضد امپریالیستی جدا میکند، داشت و سدان نزدیک میشد.

اما اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا میکرد، اکنون این نیرو (همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده و با پشتیبانی از خرد - بورژوازی مرفه سستی، یعنی بخشی از هیئت حاکمه که از زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت دیگر کار ملائمت ضد انقلاب پیوسته است، بنوع دیگری ایمن گرایش لیبرالی و روبریونیستی را از خود نشان میدهد.

برخورد منشویکی اتحادیه به بورژوازی لیبرال ایران

انحراف دگماتیستی "اتحادیه" در برخورد به جا معه ایران و آرایش نیروهای طبقاتی موجود در آن، منجر به آن شد که این آرایش را در جا معه سرما به داری وابسته ایران درست منطبق با آرایش طبقاتی جا معه نیمه - مستعمره نیمه فئودال چین قلمداد نماید و در این زمینه دچار است روی شود. به عنوان مثال میتوان از برخورد این نیرو به بورژوازی لیبرال در بقیه در صفحه ۱۲

(۲) - هر جا که نام "اتحادیه کمونیستها" را در رابطه با دوره اول فعالیت این جریان (خارج کشور) ذکر میکنیم منظور آن نیروی است که گسل نیروهای منشعب کمونیستی (اتحادیه کمونیستها، اتحاد انقلابی - برای رهایی کار و رزمندگان م. ل.) را در بر میگیرد و در آنجا که این نام را در دوره دوم کار میبینیم منظور همان بخشی است که پس از آن شعارات تحت این نام فعالیت می کند.

ما در شماره های قبلی پیکار، مختصراً و با اشاره به اسناد و مدارک، خطوط کلی مواضعی را که "اتحادیه کمونیستهای ایران" در رابطه با رویدادهای سیاسی اخیر ایران، اتخاذ نموده است توضیح دادیم. در این شماره ضمن اشاره مختصر به برخی مواضع سیاسی این نیرو در دوره اول فعالیتش (خارج از کشور) به بحث پیرامون مواضع این نیرو در دوره دوم (پس از ورود به ایران) می پردازیم.

موقعیت خاص فعالیت سیاسی و عملی گروه های خارج از کشور در طی سالهای گذشته، که ویژگی آن همانا دوری از جریان مبارزه طبقاتی و عمل انقلابی و پیرو جدائی از مبارزه طبقه کارگر از یک سو و محصور ماندن در حصار تنگ جنبش دانشجویان مبارز خارج از کشور از دیگر سو میباشد. زمینه برور و عملگر دیک سلسله انحرافات و نقطه نظرات انحرافی را فراهم میساخت. این انحرافات که در کلیت خویش یک انحراف بورژوازیستی راست را تشکیل میداد، در زمینه عملی مجریه با سیفیم سیاسی این نیروها (که در اینجا مورد نظر ما نیست) و در زمینه نظری مبتنی بر شکل گیری یک جریان "سویژگونیستی" (ذهنی گراشی) قوی در این نیروها می گشت. "اتحادیه" کمونیستهای ایران در آن زمان نیز در آدا بهره چنین انحرافات را فرامیگرفت. در واقع دوری رفقای "اتحادیه" از فعالیت انقلابی داخل کشور و پیرو عینی مبارزه طبقاتی در آن زمان، این نیرو را بتدریج از واقعیات عینی جا معه دور کرده و به یک ذهنی گراشی قوی و عمیق که در تمام عرصه های فعالیت نظری خود را نشان میداد، دچار مینمود.

این انحراف از آنجا بود که در واقع رابطه طبیعی میان تئوری و پراتیک، فعالیت نظری و فعالیت عملی، که دو جنبه اساسی و مکمل پیرو طبیعی و منطقی شناخت پدیده ها است، قطع میگردد و تئوری پشتوانه پراتیک یعنی عمده اصلی پیرو شناخت را از دست میداد.

تجلی اصلی انحراف سویژگونیستی رفقای "اتحادیه" در عرصه تئوری فرار گرفتن بر اساسی یک درک دگماتیکی قریب به سازه از مسائل انقلاب ایران و الگو برداری از تئوری انقلاب چین در تبیین مسائل جا معه و انقلاب ایران بود. (۱)

این دگماتیسم و الگو برداری مانع از آن میشد که "اتحادیه" تغییر و تحولاتی را که در یافت جا معه ایران، در طی سالهای پس از فرم ارضی صورت گرفت و بر اثر آن جا معه ایران به تبعیت از نیازها و ضروریات سیستم امپریالیستی، بتدریج از یک سیستم نیمه فئودال - نیمه مستعمره، به یک سیستم سرما به داری وابسته تغییر یافت، درک کرده و گوش نماید تا این تغییر و تحولات را بطور عینی و در پیرویه تکامل تدریجی اش، با استفاده از آموزهای مارکسیستی - لنینیستی و تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، تبیین نماید و نتایج تئوریک، سیاسی و عملی آن را مورد ملاحظه قرار دهد.

آنها بجای این کار، در صدد تطبیق مکانیکی قوانین و مسائل انقلاب چین بر انقلاب ایران برآمدند و از همین رو نه تنها از تحلیل صحیح اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران بدور افتادند، بلکه بدنبال آن در سیاست و خط مشی نیز دچار انحراف راست روانه ای شدند که به مواردی از آن اشاره میکنیم:

برخورد به قدرت سیاسی

رفقای اتحادیه در پیرویه فعالیت خود هیچگاه درک صحیح و روشنی

(۱) - البته این انحراف تجلیات دیگری هم داشت که از جمله میتوان در دنباله لروی از سیاستهای کشور سوسیالیستی چین (قبل از حاکمیت دارودسته روبریونیستی اخیر) تر "دستگاه افشاگرانه" برای ایجاد دحزب کمونیست، که ابتدا با از انقلاب روسیه کپی برداری شده بود، و اعتقاد به "اندیشه شوشه دون" به مثابه یک مرحله نوین و جهان شمول از تکانگ مارکسیسم - لنینیسم و... نام برده برخورد به آنها در این مقال است مورد نظر ما نمی باشد.

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدرخان عمو اوغلی (۲)



اندیشه‌های سوسیالیستی و نفوذ آن در بین ایرانیان

آشنایی با مارکسیسم

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری مهاجرت ایرانیان به کشورهای خارج اوج بی سابقه‌ای گرفته بود. توده‌های مردم که بنا به تارهای موجود ۸۵٪ آنان را دهقانان تشکیل می‌داد، از فرط گرسنگی و سیه‌روزی همراه با خانواده‌های خود جهت کسب روزی و نان به بخور و نمیزی خارج و به خصوص به همسایه‌های روسیه مهاجرت می‌نمودند. بنا به تار موجود در سال ۱۹۱۸ میلادی

قرن سیزدهم هجری و به خصوص نیمه دوم آن معاد فایز شد سرمایه‌داری در ایران و دوران گذار از شیوه تولید فئودالی به شیوه تولید سرمایه‌داری است. این دوره رشد و گذار علی‌رغم اینکه تحت سیاحتی استعماری انگلیس و روس نتوانست سیر طبیعی خود را طی کند و آهنگ رشد آن به میزان قابل توجهی کند شده نتوانست عناصر ذهنی و عینی خود یعنی رشد علم و آگاهی، بیداری روشنفکران و بدنیا آمدن اندیشه‌های سوسیالیستی از یک سو و سوز و آزار قدرتمند و تشدید شده و به همراه فقر و طبقات کارگران و روستاییان دیگر را مملکت را به نند نموده - های اروپائی بوجود آورد، ولی بهرحال سرمایه‌داری از همین کوره‌هاها بتدریج ره می‌گشود و ملزومات خود را نیز در دل خود بوجود می‌آورد.

قدیمی ترین سندی که درباره سوسیالیسم در مطبوعات ایران یافت می‌شود تاریخ ۸ مارس ۱۸۸۰ میلادی برمی گردد که در شماره ۴۱۲ روزنامه ایران به صورت مقاله‌ای درج شده است. این مقاله علیرغم اینکه از دیدگاه سوسیالیسم علمی نوشته نشده و تفاوئاتی با سوسیالیسم بورژوازی و خرده بورژوازی از یک سو و سوسیالیسم علمی طبقه کارگران را درک نمی‌کند، علیرغم اینکه نظر خوبی نسبت به سوسیالیسم نداشته و تحت تاثیر باطل رایج به تکرار آنها ماتی از قبیل "اشتراک زن و" و "استقلال محرمات و ابا و اجداد فواحش" در میان سوسیالیستها برداشته است، ولی بهرحال در مقایسه با مواضع روزنامه "فرهنگ" که همزمان با آن منتشر می‌شد نوشته‌های کینه توزانه نسبت به سوسیالیسم از قبیل "ردنچریه" اثر سید جمال الدین استادی را چاب می‌گیرد، نقش متقیانه - ای را داشته است و بر روی خوانندگان ایرانی اثری مثبت می‌توانست داشته باشد. ایده‌ها و اندیشه‌های سوسیالیستی از نوع سوسیالیسم تخیلی در تاریخ خلقهای ایران نیز همانند اروپا و اکثر خلقهای جهان وجود داشته است و خلق ایران از این نظر تاریخی غنی و ارزشمند دارد. آتش که در او خرد حکومت فحاک بر علیه استبداد و مظلومان و بیچاره‌ها، مزدکیان در دوران سلطنت سلطان قباد، قراخانی، اسماعیلیه به رهبری حسن صباح و به خصوص دردوران حسن احمد، ایده‌های سوسیالیستی سبزواری و ... نمونه‌های برجسته اینگونه افکار و جنبش‌ها می‌باشد. اما افکار سوسیالیستی علمی معاصر از طریق روسیه به ایران رسوخ پیدا کرد. با بهای اوچکیری جنبش‌های رهاشی بخش در میان توده‌ها و روشنفکران، سطح آگاهی سیاسی نیز به میزان فوق العاده‌ای بالا می‌رفت، و به همین اندازه نیز زمینه برای رشد سوسیالیسم علمی و تشکیل گروه‌های رزمنده سوسیالیست دموکرات فراهم تر می‌شد.

ورود به ایران

چنانکه از طرأت حیدرخان بقلم خود می‌کهد در مرحله یادگار چاب شده برمی آید، بهنگام سفراول مظفرالدین شاه به فرنگ و توقف در دریا کوبه تاریخ ۱۲۷۹ هجری، حیدرخان در مقام مهندس برق جهت کارخانه چراغ برق مشهد استخدام شده و راهی خراسان شد. ۱۱ و ماه در آن

● "رفقا! ما فرزندان خلقیم برای احقاق حق خلق مبارزه می‌کنیم. سرمایه‌داران دشمن ما هستند، ما از هر گونه سازش با این ستمگران امتناع می‌ورزیم. اینها خفه کننده جنبش‌های بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران برای ما، یار و یار پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما وجود نیست! ما به پیروزی خود اعتقاد و اطمینان داریم، ما مطمئن هستیم." از سخنرانی حیدرخان عموغلی در متینگ بین ۱۱ آذر کارگران پتروشیمی

شهر آقا مت‌گزید، خودی می‌نویسد: "در تمام مدت یازده ماه که من در خراسان اقامت داشتم هر چه سعی و تلاش کردم که به کمک بتوانم یک فرقه سیاسی بدستور (یعنی طبق نمونه) روسیه تشکیل بدهم، ممکن نشد... در این مدت فقط یک نفر، مشهدی ابراهیم میدانی را که کارخانه گیلریازی آورده مشغول ساختن گیلرس' بود، با خود هم عقیده یافتیم که می‌توانستیم با او صحبت فرماییم اما آن آرم... چون دیدم که کوشش در خراسان بی‌فایده ماند لذا در ۱۷ رجب ۱۳۲۱ (مصادف با ۱۲۸۲ هجری) به تهران عازم شدم. چنانکه از گفتار حیدرخان برمی آید وی اولین هسته سوسیالیست دموکرات را با مشهدی ابراهیم میدانی تشکیل داده است. گفته خود حیدرخان همچنین ثابت می‌کند که نوشته روزنامه "مر - مینی برای اینکه اوب" "جمعی از کارگران و هم - فکرا نشا اولین حوزه‌های سوسیالیست دموکراسی را تشکیل می‌دهد" و همچنین مشهدی ابراهیم میدانی "کارگران کارخانه نساجی" (شماره ۱۲۲، ۲۹ آذر) بوده، کاملاً نادرست می‌باشد.

حیدرخان در تهران

حیدرخان پس از ورود به تهران به توالی در سه "اداره" ماشین خانه، تجارت خانه روسی حمل و نقل ایران و چراغ برق حاج حسن آقا بکار مشغول گردید و از این طریق با توده وسیعی آشنا گردیده و با شور و شوق به تبلیغ ایده‌های مشروطه خواهی در میان آنها پرداخت. در این دوره است که جنبش مشروطه خواهی می‌گیرد و حیدرخان به مثابه یک دموکرات پیگیر با شور و شوق در این جنبش اوج گرفته و شرکت می‌کند. در این میان عکس انداختن مسیونر بلژیکی در لباس آخوندی آنها را خشم‌توده‌ها می‌رساند و در تهران منفرجه می‌سازد. در این زمان حیدرخان یکی از پر شورترین و پیگیرترین سازماندهان توده‌هاست. در مرداد ۱۲۸۵ زیر فشار توده‌ها

۲۰۰ هزار نفر ایرانی در روسیه اقامت داشته - اند. ۲۰۰ در دهک کارگران و کارمندان صنایع نفت با کورای ایرانی‌ها تشکیل می‌دادند. در این سالها روسیه به قدرتمندترین مرکز جنبش کارگری جهان تبدیل شده بود و سوسیالیست دموکرات‌ها فعالیت گسترده و قابل تحسینی را در میان توده‌های زحمتکش و سبزه کارگران به انجام می‌رساندند. ایرانیان در این محیط انقلابی با ایده‌های انقلابی و سوسیالیستی آشنا شده و با شرکت در جنبش انقلابی کارگری آید شده و تربیت می‌شدند. و هم‌ا زمان اینان بود که پیشروترین کارگران انقلابی ایرانی بوجود آمده و در دوره‌های بعدی و بهنگام اوچکیری انقلاب مشروطه و گیلان نقش بسیار عظیمی در انتقال آگاهی سوسیالیستی و انقلابی به ایران و تشکیل هسته‌های سوسیالیست - دموکرات که بعدها در مسیر تکاملی خود به حزب کمونیست ایران تبدیل شدند، ایفا نمودند. از طرف دیگر با مهاجرت اجباری گروهی از روشنفکران بخارج از ترس استبداد و خفقان فاجاری و همچنین مسافرت گروهی دیگر از آنان جهت آدا مه تحصیل و کسب علم، روشنفکران انقلابی نیز تربیت می‌شدند. حیدرخان تا به حدی در سن ۱۱ سالگی همراه خانواده خود به مهاجرت رفت و تحصیلات و زندگی خود را در محیط انقلابی روسیه ادامه داد و در ایران و سپس در تبلیغ به کسب درجه مهندسی برق نایل آمد. و در همین جا بود که حیدرخان تحت تاثیر سوسیالیست دموکرات - های روسیه، با مارکسیسم و جنبش کارگری آشنا شده و به صورت یک سوسیالیست - دموکرات پسر شور و هوشمند درآمد. در این میان روزنامه‌ها و پیکار که جهت تشکیل واقعی حزب کارگر سوسیالیست - دموکرات روسیه و تدارک جدی دومین کنگره حزبی از سال ۱۹۰۰ در خراسان منتشر می‌شد و به خصوص مقالات لنین در این میان تاثير شگرفی بر روی حیدرخان گذاشت و او را در شمار طرفداران مشی لنین در -

هیئت حاکمه با اعدام انقلابیون بیش از پیش خود را رسوا می کند

شهید بهروزنیا را متهم به رسیدن به کویتر به سمت کشور عراق نمود. درحالیکه این افسر انقلابی چون حاضر نشده بود از او سر فرمانده مزدور و خویش که بوی دستور داده بود به پایگاه "دزلی" مقردارودسته قیاده موقت برود و درگشتا ربهیمرگه های کرد شرکت کنند اطاعت نکرده و او را به سزای اعمال شکنج خود رسانده بود، دستگیر شده بود.

خلق همیشه به فرزندان دلاور خود ارج می نهید. مردم سنج نیز در مراسم تشییع جنازه شهید بهروزنیا نشان دادند که بهروز در قلب آنان جای دارد. ۵۵ هزار نفر از مردم سنج درحالی که تا بوتا او را با چرخه سرخ پوشانده بودند با شمارها و پلاکاردهای فراوان رژیم را بغا طرحا بیتی دیگر شدند محکوم کردند. آنها سوگند یاد کردند که راه شهیدان خود را تا پیروزی برامیرا لیسوا ارتجاع خواهند پیمود. درود بر همه شهیدای راه آزادی و استقلال درود بر شهید بهروز و بهروزنیا افسر آزاده و انقلابی

جلادان خلق کرد با ردیگری از فرزندان انقلابی خلق کرد را تهراران کردند. بهروز بهروزنیا افسر انقلابی و دلیر کردستان چندی پیش به دست رژیم خد خلقی به شهادت رسید. او فرزند خلق کرد بود. از میان مردم ستم دیده برخاست و در راه خدمت به آنان جان باخت. او نشان داد که حاضر نیستن به اطاعت کور کورانه بدهد.

هیئت حاکمه که بلافاصله پس از قیام ارتش در هر ریخته شایشتا هیئت را نوسازی کرده است و چمران ها و فلاحی ها، مدنی ها، ظهیرنژادها و جلاد و مزدور را در راستا گمارده است، با چنین فرزندان انقلابی در درون ارتش طرف است. و علیرغم تمام تصفیه ها و اخراج افسران و درجه داران مبارزان انقلابی نمی تواند بر احمسی ارتش شایشتا را بازسازی نماید.

لازم است تذکر دهیم اعدام این افسر انقلابی درست در شایبای صورت می گیرد که هیئت ویژه دولت به اصطلاح مشغول مذاکرات ملج با هیئت نمایندگی خلق کرد بود. رژیم سیدروغ

بقیه از صفحه ۶ قطع مذاکرات ملج...
مفتی زاده های دیگری پیدا کنند به همین لحاظ است که شایسته ها و متکوک بسیاری به خصوص در ترواحی جنوب کردستان هتیم.

بدین ترتیب شایسته که هدف هیئت ویژه دولت، سوجود آوردن یک قطب سازشکار را جزیران های بورژواشی و ارتجاعی در کردستان در مقابل نیروهای انقلابی و مترقی و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است. اما این آقا بان تنها یک چیز را قابل رافرا موش کرده اند و یک چیز ناقابل رانمیتوانند نبینند و آن خلق بیاهو است و مسلح کرد است. این جوهر سیاست هیئت حاکمه مدخلی در بر خورده به مسائل کردستان است. هیئت حاکمه زمانی که به کردستان لشکر کشی کرد نمیتوانست شکست مفتضحا نه خود را بدست خلق کرد پیش بینی کند و امروز نیز نمیتواند درک کند که سازمان نهیای مترقی و انقلابی تنها به اعتبار همراهی و بسیج خلق شایسته نمایندگی آنها را دارند و در اوضاع کنونی، خلق کرد هرگز اجازه نخواهد داد که بر سر منافع وی معامله صورت گیرد. اگر می بینیم که در اجتماع (۵۸/۹/۱) مردم سنج در یکی از رهبران روبریونیست حزب دمکرات محبور میشوند به همراه مردم شعار "مرکز بر حیزب نوده" را تکرار کنند، اگر ما هده می کنیم که در کردستان برای نیروهای روبریونیست نظیر نوده ها و سه جانی ها جانی وجود ندارد، اگر می بینیم که نیروهای دمکرات مذهبی که در حران هوم و حشایه رژیم به کردستان به فرماندهی چمران مزدور سکوت کردند، نفوذی در بین خلق کرد دارند و همه به سطح بالای آگاهی خلق کرد را نشان میدهند. و مسلماً توسط حیدر هیئت حاکمه در کردستان نیز که تحت پوشش عوام فرمایانه مذاکرات، همان اهداف قلی یعنی سر به زدن و در نهایت سرکوت جنبش خلق کرد را دنبال میکند، بشرط افشای همه جانبه آن اجانب نیروهای انقلابی و خصوصاً مارکسیست - لنینیست نقش بر آب خواهند شد. ■

زیر نویس از صفحه ۶

(۲) - قطعنامه متعین استنادی سنج چنین است: در نتیجه مذاکراتی که نمایندگان گروه های متعین در استنادی کردستان با آقای حسین شاه اویسی استنادی کردستان و سرکار سرهنگ نورالدین هویدا رئیس شهرستانی کردستان بعمل آوردند در موارد زیر توافق حاصل شد. ضمناً نمایندگی افراد منتخب فقط و فقط در خصوص مذاکره بهرامون خروج پاداران از شهرستان سنج و اجرای مواد هفتگانه توافق نامه مورخ ۵۸/۱۰/۱۳ است و بعد از رای هیچ گونه سمت نمایندگی نمیتند.

۱ - خروج فوری وی قید و شرط کلیه افسران سپاه پاداران از شهرستان سنج بسلا - فاعله با بدعتی پذیرد.
۲ - حفظ انتخابات در شهرستان سنج بهمه پرسنل موجود شهرستانی سنج می باشد که طبق قانون وظایف خود را انجام دهند.



۳ - بانی انجام وظیفه نمایند.
۴ - ساختمانهای دولتی که فعلاً در تصرف سپاه پاسداران می باشد به موسسات مربوطه مسترد گردد.
۵ - محل باشگاه افسران که فعلاً جا بجا سپاه پاسداران است کما فی السابق (به صورت اولیه قبل از انقلاب) بعنوان باشگاه افسران مورد استفاده قرار گیرد.

۱ - هیچک از اکنین شهر حق حمل سلاح بطور آشکار در داخل شهر ندارد.
۲ - حفظ و جرات ساختن را دیو - تلویزیون که فعلاً در تصرف افراد سپاه پاسداران می باشد به شهرستانی واگذار گردد.
۳ - حفاظت از فرودگاه سنج کما فی السابق بهمه پلیس فرودگاه است که تحت نظر شهر -

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری ۰۰۰

رغبتی به شرکت در این انتخابات نشان نمی دهند و اظهارات صریح برخی از روحانیون عضو شورای انقلاب و رهبران حزب جمهوری اسلامی نیز که علناً عدم شرکت خود را در این انتخابات اعلام داشته اند، دال بر این مسئله است. در واقع روحانیت نمی گوید که به بیشتر نقش "کنترل کننده" را در رژیم جمهوری اسلامی آینده بازی نماید تا شرکت مستقیم در بالاترین ارکان های اجرایی همچون ریاست جمهوری. این مسئله که به ظاهر شگفت آور بنظر می رسد، مبین این واقعیت است که روحانیت، که پایه اصلی توهم بوده ها نسبت به هیئت حاکمه کنونی بوده و خواهد بود، میکوشد تا از افزایش قدرت در آماج مستقیم حملات جنبش انقلابی بوده ها، که هر روز بیشتر را با اعتلا و گسترده گی رami پیدا می کند، دوری جوید و با ایفای نقش "کنترل کننده" به بهانه های این توهم و اقتدار را کماکان حفظ نماید و قدرت ما نور را در برابر فرسایش جنبش انقلابی داشته باشد. چرا که تجربه همین ۹ ماهه و اثبات کرده است، آگاهی افزایش یافته و به تدریج توده ها و روشد اعتلای انقلابی با همه و متغایلا عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به احتیاجات اولیه و خواسته های سر حق و عادلانه توده ها، خیلی زود میتواند آنها را در برابر رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد و اولین کسانی که بطور مستقیم در معرض این تهاجمات قرار داشته و در مسیر آنها مجبور میشوند انقلابی فرارخواهند گرفت، همان ارکان های اجرایی رژیم و بخصوص ارکان های بالائی آن یعنی ریاست جمهوری اسلامی و کابینه دولت می باشد. تجربه دولت بازگان و رسوایی های اخیر "تهدید آزادی و عناصر وابسته به آن، که "فرباسی" تهاجمات جناح بندی درونسی هیئت حاکمه و حفظ متاع کل قدرت سیاسی شدند، نمونه ای از این "درس" های آموزنده برای روحانیون سهم در قدرت است. این رسوایی که سنجیده شد این جریان و نیز کسل هیئت حاکمه را بخصوص در طی دوره ۹ ماهه قدرت گیری آن نشان میدهد، بدانجا کشید که حتی بازگان، رهبران جریان را مجبور به عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نمود. البته این امکان "کنترل" و نظارت نیز از قبیل ویا تمویب اصل "ولایت فقیه" در بالاترین سطوح خود، پیش بینی شده است. بطوریکه حتی کاندیداهای ریاست جمهوری نیز باید از مافاسی "ولایت فقیه" گذشته و قبل از اعلام رسمی اسمی آنها مورد تأیید آیت الله خمینی قرار گیرند! ("آزاد بودن" انتخابات ریاست جمهوری، در منطق هیئت حاکمه نیز این چنین است!)

سوم اینکه، با توجه به نکات فوق بنظر می رسد هیئت حاکمه پیش از همه برای حفظ موقعیت و اعتبار خویش، در این بحبوحه رسوایی بی درپی عناصر آن، دست روی عناصری بگذارد که تاکنون بدلیل دوری از دایره اصلی قدرت اجرا و سیاستی و روشندن ما هیئت آنها توانسته اند اعتبار و موقعیت سیاسی خویش را حفظ نمایند و در میان توده ها، هنوز "پرونده" شربوری را ندارند. در این میان **پیشی صدر** این بورژوازی "عاقل" و "واقع بین" که "راه حل" های جدیدی و ظهوری برای نجات سیستم بهم با شیده کنونی و نجات هیئت حاکمه در کیمه

دارد! - از شانس بیشتری برای موفقیت بر خوردار است و احتمالاً جناح های قدرتمند رژیم نیز بر روی او انگشت خا هند گذاشت. حمایت های اخیر برخی بلوک های وابسته به روحانیت (هم چون جامعه روحانیت مبارز تهران) بر چنین واقعیتی دلالت دارد.

● شرکت در چنین انتخاباتی بقصد "دموکراتیزه کردن" آن، بیازی گرفتن منطق طبقاتی، فریب توده ها و روی گرداندن از انقلاب، به مثابه ابزار اصلی کسب قدرت سیاسی و بهیودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است.

اما موضع کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی در برابر "انتخابات" چه باید باشد؟

از نظر ما، وظیفه آنها در یک کلام، طرد و افشای این انتخابات - انتخاباتی که بمنظور تثبیت یک رژیم ضد خلقی و ارتجاعی صورت می گیرد - می باشد و نه چیز دیگر! اصولاً مسئله شرکت با عدم شرکت کمونیست ها در انتخابات دستگاه دولتی یک رژیم طبقاتی معین، مسئله ایست که در درجه اول و پیش از همه، به تحلیل آنها از ماهیت طبقاتی و سیاسی آن دولت، که قدرت سیاسی را در اختیار خود قرار داده است، دارد و در درجه ت بعد، مسائل ز قبیل، وضعیت جنبش توده ها، معادلات و تئوسب نیروهای سیاسی و طبقاتی در جامعه، وضعیت و تئوسب جنبش کمونیستی و نیرو های وابسته به آن و... مطرح می شوند که اتخاذ تاکتیک صحیح از جانب کمونیستها، در پروتازایی دقیق و همه جا شیه از مجموعه آنها میسر می شود.

تاکتیک شرکت از "بالا" دولت ها می که بطور کامل در بلوک ارتجاع و ضد انقلاب قرار دارند و بدلیل نیروهای مسلط بر آن دارای ماهیت ضد خلقی اند، هیوا و در هر شرایطی از نظر اصولی نامصحیح و ضدما رکسیستی است. رابطه توده های خلق با چنین رژیمی یک رابطه آنتی-نا پذیر است. منطق پروتازا و زحمتکشان جامعه در قبال چنین حکومتی، منطق تشدید مبارزه طبقاتی، مستطورد در هم گرفتن و بیرون راندن آن از این صحنه مبارزاتی است.

رژیم کنونی ایران، بنا بر ماهیت طبقاتی ضد خلقی و ارتجاعی خود - همچنانکه در گذشته نشان داده ایم - نمی تواند از دایره عملکرد چنین "املی" برکنار شود و هم از این روست که شرکت در ارکان های اجرایی دولت - تحت هر انگیزه و منظوری - بهیچ روی جایز و اصولی نمی باشد. بیشتر توضیح دهیم.

خیمه شب بازی انتخاباتی هیئت حاکمه برای انتخاب رئیس جمهور رژیم سیاسی آینده ایران، همانند تمام رژیم های ارتجاعی درسی رسمیت بخشیدن وفا نونی کردن نهادی است که ابزار طبقات حاکم برای پیشبرد هدفهای طبقاتی شان است. و این نهاد با توجه به ماهیت نیروهای حاکم و سیاستها و اجتماع سیاسی ایران، نهادی خواهد بود با ماهیت بورژوازی که در هاله ای از رویتا های خطا مات کهنه، ارتجاعی و عقب مانده همچون "ولایت فقیه" پوشیده شده است. این نهاد با ما شین دولتی، علیرغم تمام ماهیوی فریبکارانه بورژوازی و خرده - بورژوازی مرفه سنتی، دایر بر "دفاع" از منافع

سنگردفاع از حقوق طبقات استعشارگرو ارتجاعی در برابر توده های زحمتکش تبدیل گسردد. "بورژوازی قدرت دولتی را به مثابه ابزاری در دست سرمایه دارها بر علیه پروتازا و بر ضد تمام مردم زحمتکش بکار می برد. این حالت در اغلب جمهوری های دموکراتیک بورژوازی مداف داشته است. فقط خا شین به ما رکسیم این را فراموش می کنند." (لنین، "انتخابات مجلس موسسان و دیکتاتوری پروتازا"، ص ۲۵) هیچ دولتی وجود نداشته است که مهر طبقه با طبقاتی را بر خود نداشته باشد. تئوری دولت "ما فوق طبقه" - چه این دولت در رسوا ترین شکل خود دفاع از منافع طبقات متمکبر بردارد و چه در راهله ای از دموکراسی بورژوازی و بسا قدسیت مذهبی پوشانده شده باشد - اکنون دیگر افسانه ای بیش نیست و طرح آن فقط برای پوشاندن ماهیت طبقاتی "دولت" ها است که از سوی ارتجاع حاکم و یا فریبکاران نیرنگ با صورت می گیرد.

حتی "دموکرات" ترین حکومت های سرمایه داری نیز با تسلط و حاکمیت بورژوازی صاحب قدرت است که قدرت ارتجاعی خویش را در ظرف ترین و پیچیده ترین اشکال حاکمیت خود، اعمال می کند.

رابطه توده های زحمتکش و خلقها با این ما شین دولتی و ابزار طبقات متمکرو ضد خلقی رابطه ای است که میان طبقات مستعبد و انقلابی با طبقات ارتجاعی و متمکرو وجود دارد. رابطه ای که بر اساس آن وجود یکی در نفی دیگری و حاکمیت یکی در سرکوب دیگری معنای میدهد و این منطق همیشه تاریخ و مایه رابطه ای در برابر رژیم های ارتجاعی بوده است.

کسب قدرت سیاسی بوسیله توده ها، نه از طریق جبهه های به اصطلاح دموکراتیکی که به وسیله رژیم های ارتجاعی، برای فریب توده ها و تائین حاکمیت خود، در برابر آنها می - گشایند، تا بدین طریق موجودیت خود را ابدی سازند، بلکه از طریق نابودی قهری ایس دستگاه طبقاتی، از طریق درهم شکستن این ما شین های دولتی - حتی "دموکراتیک" ترین نوع آنها امکان پذیر و میسر است. وسیله چنین کسب قدرتی نیز چیزی جز انقلاب نیست!

دل بستن به اینکه از طریق شرکت در انتخابات رژیم های بورژوازی، پروتازا و توده های زحمتکش بتوانند، قدرت سیاسی خویش را برقرار سازند، یعنی از طریق کسب اکثریت آرا در انتخاباتی که در سرمایه حاکمیت رژیم های سرمایه داری و ارتجاعی صورت می - گیرد، قدرت دولتی را بخود اختصاص دهند، و دولت های ارتجاعی را بکنار نهند، فریبی است

که همواره از جانب بورژوازی و نمایندگان اشکارو نهان آنها از جمله روزبونیست‌ها در ذهن توده‌های مردم آفاق می‌شود.

چاره‌پرولتاریا و توده‌های زحمتکش برای کسب قدرت سیاسی، انقلاب است، انقلاب انقلابی که در پی آن قدرت سیاسی و ماسکین دولتی طبقه‌ارتجاعی، و تمامی نهادهای فربیکارانه و بی‌طرف مردم‌گرا تیک آنها در هم شکسته و نهادهای سیاسی و انقلابی ای که به مثابه منطقه ماسکین دولتی پرولتاریا و دیگر اقشار خلعی از گور انقلاب سر برآورده است جایگزین آن می‌شود و دولت طبقات انقلابی جامعه، یعنی جمهوری دموکراتیک خلق را که تحت رهبری پرولتاریا قرار دارد و در دوره سوی انقلاب سوسیالیستی دارد، مستقر می‌سازد. پرولتاریا در صورتی می‌تواند انقلاب را به پیروزی برساند که اکثریت توده‌های زحمتکش را به پیروی خود جلب نماید و در زیر چتر رهبری خود قرار دهد. اما بدون شک این جذب و جلب، از طریق بدست آوردن اکثریت، در انتخاباتی که تحت سیطره و حاکمیت بورژوازی صورت می‌گیرد، بدست نمی‌آید، بلکه از طریق برانداختن بورژوازی و ماسکین دولتی او، از طریق درهم شکستن همین ارگان‌های انتخاباتی بظا مردم‌گرا تیک و برقرار کردن قدرت شورائی توده‌های زحمتکش، و سپس بر آورده ساختن حواش فوری و فوری زحمتکشان شهر و روستا و خلفای تحت ستم و با سخگوشی به مبرم‌ترین نیازهای زندگانی آنها، از همان فردای پیروزی، بدست می‌آید. هر کس این قانون اساسی هر انقلاب را فراموش نماید، ماف و مایه اگزیستانتیسم، یک ساده لوح بیش نیست.

انتخابات ریاست جمهوری، که اکنون در شرف انجام است، نیز از این قاعده مستثنی نیست. رئیس‌جمهور منتخب، هر کس که می‌خواهد باشد، مجری قوانین و برابری است که منافع و احتیاجات طبقاتی ارتجاع حاکم که نیلوران را در قانون اساسی دست یخست مجلس خبرگان شاهدیده‌ایم، برآورده می‌سازد و نظم برابری و وابسته را علیرغم ایجاد تعدیلات و تغییرات محدودی در آن، حفظ و مستقر می‌کند.

شرکت در چنین انتخاباتی، (که در سایه یک رژیم غلطی سرگرمی شود) به قصد "دموکراتیزه کردن" آن، به بازی گرفتن منطق طبقاتی، فریب توده‌ها و وویگرداندن از انقلاب به مثابه ابزار اصلی کسب قدرت سیاسی و بهبودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است. بویژه آنکه جامعه در مسیر قرا ر گرفته است که اعتلای انقلابی نوینی را نوید می‌دهد، اعتلای نوینی که گشتی بویسته و شرک برداشته رژیم را با شتاب فزاینده‌ای به سمت گرداب‌های هولناک آینده سرازیری می‌سازد.

بدون شک شرکت در این انتخابات را با شرکت در انتخابات موسسات و ارگان‌های چون مجلس موسسان یا مجلس خبرگان و حتی مجلس شورای ملی نمی‌توان مقایسه کرد. شرکت در موسسات نوع دوم، که کمونیست‌ها در شرایط معین و با حرکت از موقعیت جنبش توده‌ای و منافع پرولتاریا بدان اقدام می‌ورزند، شرکتی است

برای استفاده از آن به مثابه یک تریبون افشاگری و نزدیکی به توده‌ها از طریق افشای تمامی نظامات حاکم و گردان آنها دهائی که کمونیست‌ها در آن شرکت جستند، این شرکت بهیچ وجه قصد بدست آوردن کرسی‌های پارلمانی برای سهم‌شدن در قدرت سیاسی را دنبال نمی‌کند. کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی با دیدم نظر آگاه کردن توده‌ها، افشای رژیم و فنی حاکمیت سیاسی و اجتماعی آن، در شرایط معین در پارلمان‌های بورژوازی، به روشی که می‌خواهد باشد، شرکت جویند. و این عمل را چه در خلال انتخابات و چه در خود پارلمان انجام دهند. روشن است که آنها در اینجا نیز مبارزه طبقاتی را نه تنها محدود به این عرصه پارلمانی نمی‌کنند بلکه به آن بعنوان عرصه فرعی مبارزه نگاه می‌کنند. آنها این شکل از مبارزه را تابع آن اشکال مبارزاتی که در عرصه‌های اصلی مبارزه طبقاتی جریان دارد می‌نمایند و لاغیر: شرکت در انتخابات ارگان‌های اجرایی دولت بورژوازی - منجمه همین انتخابات ریاست جمهوری - بهیچ وجه خلعت شرکت در ارگان‌های فوق را نداشته و شرکتی است از "بالا" که تنها توهم توده‌ها را نسبت به رژیم طبقاتی حاکم، افزایش داده و ذهن آنان را نسبت به طرق کسب قدرت سیاسی و انقلاب کور می‌نماید.

همانطور که گفتیم، تمام توضیحات فوق در بر ترو تحلیل ما از ماهیت رژیم سیاسی کنونی - که بدیده ما ماهیتی ضد خلقی و ارتجاعی دارد - معنا می‌دهد. طبیعتاً، آندسته از نیروهای که در تحلیل‌های خود از رژیم کنونی ایران، دارای ارزیابی‌های راست‌روانه‌ای هستند و این رژیم را رژیمی مترقی و ملی و بیبا دارای جنبه‌های مترقی و نیمه ملی می‌دانند، در تاکتیک‌های خود نسبت به این انتخابات و با اصول شرکت از "بالا" در چنین رژیمی نیز به انحراف خواهند افتاد. دلایل "قانع کننده" ای برای این شرکت خود را نه خواهند داد. بنا بر این این سؤال مطرح خواهد شد که آیا اصول شرکت از "بالا" در چارچوب یک رژیم مترقی و ملی، که دارای جنبه‌های خلقی است، می‌تواند صحیح باشد یا نه؟

پاسخ ما این است، که چنین شرکتی از نظراصولی نا صحیح نیست، اما مجاز بودن کمونیست‌ها در عمل، برای چنین شرکتی، بسته به مجموعه عواملی است که در صورت پیشین بطور کلی آنها را بر سر دمید.

میزان و قطب‌نمای شرکت کمونیست‌ها در چنین دولتهائی مصالح و منافع پرولتاریا است. و اینکه تا چه حد چنین شرکتی می‌تواند، به بسیج پرولتاریا و توده‌های زحمتکش، به منظور پیشبرد مبارزات انقلاب اجتماعی، نزدیک کردن آنها به کمونیست‌ها، دفع واقعی تشبیهات ضد انقلابی نیروهای ارتجاعی و دموکراتیزه کردن واقعی سیستم سیاسی موجود و... باری رساند.

در صورتیکه چنین شرایط و امکانات مساعدی در چارچوب این رژیم مترقی وجود داشته باشد، با نظرداشت مسئله اساسی ضرورت حفظ استقلال سیاسی و طبقاتی پرولتاریا، کمونیست‌ها چنین شرکتی را مجاز می‌شمارند.

تجربیات تاریخی جنبش کمونیستی - جهانی، و احکام مارکسیسم - لنینیسم و به خصوص آموزش لنین کبیر، بر صحت چنین امری

دلالت دارند. و رود حزب کمونیست چین بدرون حزب مترقی "کومین تانگ" در فاصله‌های ۲۷-۱۹۲۵، و از این طریق شرکت در دولت انقلابی تحت رهبری آن در آن زمان، تاکتیک صحیحی بود که این حزب، از موضع منافع پرولتاریا بدان دست یازید. و نتایج حاصله از چنین شرکتی نیز که بر اثر آن توده‌های وسیع دهقانان و پرولتاریا به سمت این حزب جذب شدند و همچنین عنا و نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی به میزان زیادی از دستگاه دولتی طرد و رانده شدند، صحت چنین تاکتیک رابه صحت رساند. احتیاجات شوریک لنین در رساله "دوتاکتیک"، بمنظور اثبات صحت تاکتیک شرکت در "حکومت انقلابی موقت"، که ما همین بورژوا - دموکراتیک داشت، نیز بخوبی نشان می‌دهد، که چنین شرکتی از نظراصولی صحیح است و فقط مجاز بودن آن در عمل محتاج رعایت شروط دقیقی است که در نظر نظام مپودن برخی از آنها، (منجمه ضرورت حفظ استقلال پرولتاریا) باقی، به ارزیابی ما از شرایط مشخص آن جامعه بستگی دارد، شرایطی که تعیین دقیق آنها از پیش بهیچ وجه ممکن نیست.

جای بحث درباره این مسائل شوریک همیشه باز است، اما اکنون وارد شدن در این بحثها که آیا شرکت در انتخابات ریاست جمهوری در عمل مجاز است یا نه، درحالی که ما بهیت ضد خلقی رژیم و فنی بودن آن از هرگونه جنبه کشیده است، مباحثاتی است مجرد و جدا از شرایط و صرفاً در عرصه شوریک. ما بهیت ارتجاعی رژیم کنونی، جای هیچگونه بحثی بر سر اشتباه و چگونگی شرکت در "انتخابات"، و مجاز بودن یا نبودن آن در عمل، برای ما باقی نمی‌گذارد. افشا و طرد چنین انتخاباتی، بعنوان یک اصل، از پیش بر ما معلوم است.

کمونیست‌ها در اینجا نیز وظیفه دارند، چون همیشه اقدامات و جرکات رژیم را، که در جهت قانونی کردن و تثبیت حاکمیت است، صورت می‌گیرد، افشا نموده و توده‌ها را از دل - بستن به چنین انتخاباتی بر حذر دارند. و به آنها توضیح دهند که کسب قدرت سیاسی در چنین رژیم‌های تنها از طریق انقلاب اجتماعی در هم شکستن ماسکین دولتی بورژوازی و استقرار ماسکین دولتی پرولتاریا و زحمتکشان امکان پذیر است. آنها باید توضیح دهند که نتایج انتخابات - بات ریاست جمهوری، هر چه که باشد، هیچ شمری بحال توده‌ها نخواهد داشت و تنها میزان سهم - بری این یا آن بخش از بلوک‌های ارتجاع و ضد انقلاب را از قدرت سیاسی، تعیین میکند. آنها باید توضیح دهند که رئیس‌جمهور آینده، مهره‌ای است که وظیفه استقرار نظم ارتجاع، حفظ و دفاع از اساس سیستم برابری و وابسته، دفاع از قوانین ارتجاعی ای همچون ولایت فقیه و بالاخره مقابله با خواسته‌های واقعی کارگران و زحمتکشان و مبارزات عادلانه آنها را به عهده خواهد گرفت و نه چیز دیگر. از این رو دل بستن به نتایج این انتخابات جز فرو افتادن در دام‌های فربیکارانه‌ای که بهیت حاکم برای تحکیم موقعیت سیاسی و اجتماعی خود می‌گستراند، چیز دیگری نخواهد بود.

گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکارتهران

طبق دعوت نامه‌ای که قبلاً از طرف هیئت موسس اتحادیه کارگران پروژهای پخش شده بود کارگران بیکار ساعت ۹ صبح در جلوی خانه کارگران جمع شدند.

از همان ابتدای کار کارگران بحثهای سیاسی مبنی بر اینکه چرا باید در دوکجا با یکدیگر بیایند، شروع کردند.

مطابق دوتتنا هم قبلا تصمیم گرفته شده بود که کارگران سوزارت کار رفته و شما بندگان آنها بدون مذاکره با عامل وزارت کار، از آنها سزا بخواهند که به خواسته های کارگران جواب دهند. لیکن عده ای از کارگران متعقد بودند که باید به وزارت کار رفته زیرا طی چند ماه گذشته و بخصوص طی چند هفته اخیر، مقامات وزارت کار نشان داده اند که نه تنها نمیخواهند به خواست کارگران رسیدگی کنند، بلکه میخواهند با پاس دادن به این طرف و آن طرف کارگران را آلت دست خودشان قرار دهند. این عده معتقد بودند که دولت حامی سرمایه داران و باستانه، حتی حاضر به زکدن دروازه کارگرفته شده و از این طریق مانع جمع آوری اسامی کارگران بیکار شده است. وقتی این سرپرستان حاضر نیستند به کوچکترین خواست کارگران حسی در حرف قبول مسا عید دهند، چگونه میتوان از آنها دید، به امید مذاکره با آنها نشسته و دنبال آنها دود. یکی از کارگران می گفت: «بملت این که تاکنون جوابی ما ندادند، ما باید از طریق مبارزه فعال در بین زحمتکشان تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. تشکیلات ما در صورتی بوجود خواهد آمد که ما مبارزه فعال و مبارزه ای که مطابق با شرایط فعلی و مرحله فعلی ما باشد انجام دهیم. دیگر ما نباید مثل سابق در مذاکره با مقامات و ارتباطات محدود فعالیت کنیم، بلکه باید از طریق راهبیمانی در مناطق زحمتکشان، مبارزه مان را هر چه فعالتر کرده و توسعه و وسیعتر را جلب کنیم. حرفها و خواسته هایمان را به توده ها گفته باشیم نتوانانیم هم کارگران را متشکل کرده باشیم و هم تعداد کارگرهای بیشتری جلب کنیم و باید قدر

را مطرح کنیم ...".
در همین رابطه عده ای از کارگران صحبت کردند. یکی از کارگران منتقد بود که کارگران، باید در عمل اقدام به مبارزه با میرزا لیتسی شما بپندوبند اما در آن زمان شما و خانواده های شما بیدار را بزرگ و وابسته، اموال آنها را سرافراز کنیم و فقط در حرف در خیال بان شما مرگ برامیرزا لیتسی ندهیم.

در مقابل، عده‌ای از کارگران معتمدبودند که در حال حاضر کارگران آمادگی این را ندارند که سمت جنوب شهر و مناطق زحمتکشان نظرات را بکنند، بلکه بازم باید بنا وزارت کار را بهیما می کنند و خواهشهای خود را از مسئولین بخواهند. این کارگران معتمدبودند که باین ترتیب کارگران در مقابل وزارت کار قرار خواهند گرفت و اگر کسی سیاسی شان بالا خواهند رفت. کارگردانهای معتمدبودند که از اعمال دولت خود بهیما رانند و این را «میکنیم بلکه با زور با فشار نحن از آنها خواهم گرفت».

کارگرد دیگری از دسته اول در جواب معتقد بوده که: "... در شرایطی که کارگران بیکار و خانواده‌شان در فمل زمان در بدترین شرایط زندگی میکنند، در حالیکه اگر بنا دیر و کارگران میتوانستند بابت فروشی و دوره گردی و ... لغذائی بدهت آ ورنه، موزایی این هوائی را برایشما هم زده است داده اند، و همینتر از همه در شرایطی که کنترل و زوروش می بینیم که مسئولین وزارت کار میخواهند هیچگونه جوابی ب شما بدهند، آیا با هم کارگران را بدنبال اینها کشاندن بجه معنی است؟ کارگران را در خوش باوری قرار دادن بمعنی چه؟ مگر اینطور نیست که کارگزارانی را که واقعا مبارزه ضد امپریالیستی میکنند، مارک و اخلاک و ضد انقلابی ب آنها میزنند؟ ...

در ساعت ۱۵ بود که کارگران بیکار رکرج
تحت‌بطور متشکل به صف کارگران بیکار تهران
پیوستند و در این هنگام شعار "اتحاد، اتحاد
کارگران اتحاد داده شد .
بعد از آمدن کارگران بیکار رکرج ، کارگر
ان به بحث اتحاد و دستمزد مطابق قریبی بسمت

وزارت کار را هیچ‌مائی نکردند. کارگران در حین حرکت شمارهای: "زن و بچه‌گرسته صبرش نمیشه" مسئولین وابسته حرف‌ش‌نمیشه، بگفتند: بازگان کارگران بیکار برسد انقلاب شد، بازگان کارگانا همراه ادا کردنت، توده انقلابی، آمریکا، انجمن دانش خلق ما و... داد. میشد. بعدا: گذشتن از میدان انقلاب، طبق معمول عده‌ای مزدور اجبر شده به همراه عده‌ای ناآگاه دیگر به یک کارگران حمله کردند و شمارهای: "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" اعلام پیروزی است، کمونیست نابود است و... میدادند. اما کارگران ناچارانه مقاومت کردند و هیچ‌مائی ادا ندادند.

در جلو وزارت کار، فراگرد نمایندگان بدون هیچگونه مذاکره‌ای از مسئولین بخواهند گذرخواستهای آنان را پاسخ دهند. لیکن عملاً مذاکره با آنها تحمیل شد و آنها بدون هیچگونه نتیجه‌گیری بازگشتند. مسئولین وزارت سرما به درز زمینه‌هاست عمده آنها چنین پاسخ دادند:

- کار را ایجاد خواهیم کرد!
- بیمه درمانی شما مربوط نیست! به وزارت بهداشتی مربوط میشود.

- حقوق بیمه‌بکاری برای مملکت ریان آور است، چرا که بدون کاربول پرداخت کردن موجب تورم میشود. (این مزدوران آبانمی- دانند که کم کردن از سود سرما—ه داران و پرداخت آن بکارگران، موجب کاهش تورم میشود؟) شما باید کارکنید تا بعد (!) صندوق کمک بیمه‌کاران داریکسیم و از آن طریق پول بدهیم!

در همین اینکه نمایندگان به بحث با اعمال وزارت بر ما به مشغول بودند کارگران آگاه در پائین به توضیح مسائل سیاسی و روزگار معی می پرداختند. این کارگران معتقد بودند که فقط با قطع سلطه و نفوذ میرزا لیس است که میتوان واقعا مشکل سیکاری را حل نمود.

در پایان قابل ذکر است که ما بندگان بدون هیچگونه برنامۀ مخفی برای آینده، برنامه‌ی بعدی را در روز یکشنبه هفته‌ی آینده، در جلاوطن‌ها برگزار، تعیین کردند! در حالیکه در عمل صحت نظرات کارگران دسته‌ی اول به ثبات رسیده بود! ■

گفتگوی با یکی از کارگران کارخانه برنز
تهران

ها کارها را خراب میکنند گفت چیرزیادی نمیدانم، اما شنیده‌ام که توده‌ها که کمونیستند به‌مدق خیانت کرده‌اند. گفت من کی گفته‌توده‌ها کمونیستند گفت خودتان می‌گویند. گفت من اولاً اگر بخوام دربار شخص یا گروهی چیرزی بهمین‌پایان‌ها می‌مختلف درباره آن تحقیق نکنیم، ثانیاً صاحب بجز توده که تنها در ظاهر از کارکرد منقادولی در واقع ضعف بسیار دارد. و ثالثاً این روشه کار درمکانها با کمونیست‌ها کارها را خراب میکنند گفت چیرزیادی

آنچه که در زیر ملاحظه میکنید خلاصه گزارش‌های
است که یکی از رفقای کارگری کار هوادار
سازمان برای ما فرستاده است.

روز چهارشنبه (۵/۱۰/۵۸) برای یافتن کار به وزارت کار رفته بودم. جماعتی از زن و مرد بیرون وزارت کار جمع شده بودند به یکی از مردها نزدیک شدم و گفتم: داداش! برای چسی اینجا جمع شدید؟ گفت: بکار دارا رفته گفتم من برای کار اینجا آمدم، میخواستم بفهمم شما برای چی آمدید، چیزی جوابم نداد. با زامرار کردم. گفت: ما گفته اند با کسی صحبت نکنید، چو ممکن است کمونیستها بین ما رفته اند و کاندو کارها خراب بشود. گفتیم از ما میگوئی کمونیست

فای که طر فردا روانی کارگران هستند بنا
باجال بارها باشد رخسار در این تراء صاف
رو استو کینان را بنا داده اند صاف ، سرد
کارگران کاهن مثل کسی که چیزی باشد آمده
باشد پدید: در مورد شوروی چه میگوئید ، آری
شوروی یک کشور کمونیست است ؟ چمن؟ شوروی
یک زمانی کمونیست بود و طرفدار روانی کارگر-
ان دنیا ولی حالا دیگر نیست ! بعد از اراجع به
ملت آمدن به وزارت کار ریسم ، توضیح داد
که اینها که جمع شده اند ، کارگران کارخانه
برنز (تهران) هستند که بدینال اعتصاب سراسری
گرفتند حق سکن ، سودی و... به وزارت کار

نان ، مسکن ، آزادی

بقیه از صفحه ۳، راهپیمائی...

در ضمن راهپیمائی یکی از کارگران مبارز سندیکا از فعالیت های چند ماهه سندیکا برای حاضرین گزارشی ارائه داد. در طول مسیر مردم مرتباً به نظر هر کنندگان می پیوستند.

سرانجام صفوف راهپیمایان به مقابل سینما رگس آبادان رسیده به احترام شهیدان سینما رگس یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس قطعاً همراه راهپیمایان قرائت شد. در پایان کارگران و سایر نظائر کنندگان با شعار: "مرکز آمریکا" متفرق شدند.

در قسمتی از قطعاً همراه کارگران پیروزی آبادان وجود آمده است: "هرجا که میربا لیم آمریکا هست در همانجا نیز مبارزه و رتاجا عی هست. چه مبارزه و رتاجا میربا لیم از مبارزه و رتاجا عی جدا نیست. منارزات آزادی بخش خلقهای ویتنام، لائوس، فلسطین، طغارو... نشاندنده این قاعده اند.

اینک که میربا لیم آمریکا به مثابه دشمن شماره یک در مقابل ما قرار دارد و جنبش ضد

بقیه از صفحه ۱۶

آمده اند و حالا بنده ها شان با کارفرمایان معاوضه و بریکار رفته اند. وی اضافه کرد: با وجودیکه بلوری صاحب کارخانه قبلاً ستانور بوده و طرفدار شاه، نمید. هم چرا دولتی که ادعا میکند حامی زحمتکش است با زهم از او طرفداری میکند. به او گفتیم: اصل عمل دولت است به حرفهایش. این همان دولتی است که از سرمایه داران فراری دعوت میکند که دوباره برگردند و سرمایه گذاری کنند. این همان دولتی است که به شخص و نظائر کارگران حمله میکند. بنابراین اتفاقی نیست اگر این دولت از بلوری حمایت میکند. این دولت یک دولت سرمایه داری است و طبیعتاً اینست که از آدمهای مثل بلوری طرفداری کند. در این بین موقع نماینده ها روزارت کارگر گشتند، ناراحت و گرفته. یکی از آنها گفت: توحله بهما گفتند که شورای انقلاب دستور داده است که از ۱۵۰ تومان بیشتر حق مسکن ندهید. کارگری که قبلاً با او صحبت کرده بودیم بقیه کارگران گفت. بزرگم شورای انقلاب، بقیه هم حرف او را نشنید کردند. مویکده داشت میرفت سوار سروس شو به او گفتیم: اگر حالا نتوانستید نتیجه خوبی بگیرید ناچاراً نیا شد. فقط سعی کنید هر چه بیشتر به نیروی همبستگی خودتان متکی باشید. در ضمن وقتی شورای انقلاب خودش قوانین را تصویب میکند دستور داده که حق مسکن را زیاده نکنند پس چرا با زیاده و مراجه میکنید. کارگر گفت: ناچارایی از او مانع خبرند شده اند. گفتیم: علتش این نیست که شورای انقلاب خبرندارد، علت اینست که طرفدار روحانی سرمایه دار است. کارگر در حال سوار شدن به سروس با ناچار و بیمن نگاه میکرد، هنوز به دولت امیدوار بود. مویکده میخواست از او جدا شوم، گفت: دور نیست آن موقعی که کارگران، دوستان و دشمنان واقعی خودشان را بشناسند. توفیق کاری خواهند کرد، کارستان!

امیربا لیمستی شده های زحمتکش در اعتلاست ما با پیدارتجارت ربحی درس بنیاموزیم و قاطعانه دوسی اما و وبیکری و بطور سختی نا پذیر بدون درنگ بقطع کلیه مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی با آن بپردازیم و تا زمانیکه این امر تحقق نگردد این مبارزه به فرجام نخواهد رسید و بیشترین فشار را برگزیده ما زحمتکشان وارد خواهد کرد و در ویکی از عوامل تعدیه فرهنگی، فقر، بیماری و بیکاری و شهیدستی و کلیه مظالم عرق ما ندگی را در وجود این بیکرجه نخواهیم دید.

ما کارگران پیروزی ای که بخشی از زحمتکشان این جامعه هستیم و سالها زیر ستانور و ستنکار شدیدی زحمتکشی چند ملیتی غاصب و سرمایه داران وابسته و کارگران داخلی را قرض کرده اند و با درک رسالت تاریخی خویش با دیگران اسلام میکنیم تا قطع کلیه روابط و مناسبات سیاسی امیربا لیم آمریکا از پای نخواهیم نشست و معتقدیم تا امیربا لیم در ایران نفوذ دارد بحران بیکاری و عقب افتادگی نیز وجود خواهد داشت و حل بحران و ایجاد کار در درگرو قطع کامل

وابستگی با امیربا لیم آمریکا میباشد. کارگران زحمتکش پیروزی آبادان و حومه در ضمن قطعاً به ۱۵ ماده ای خودخواهان مبارزه کلیه اموال سرمایه داران وابسته به شرکت های امیربا لیمستی و در راستا آمریکا به نفع زحمتکشان، افشا کلیه قرارداد های امیربا لیمستی و نفوذ آنها، لغو قانون کار و زندگانی رژیم سابق و تدوین قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران، تامین حقوق بیکاری، آزادی کلیه کارگران زندانی که برای احقاق حق خود و سایر کارگران زندانی شده اند و در ضمن آن همچنین از خواسته های برحق و فدا امیربا لیمستی کارگران شرکت نفت، لوان (لایکو) سیریب، ریمینگو، بان آمریکا، سوفیر - ان و شرکت های جاری نفت که خواهان معافه و ملی شدن شرکت های میباشند و از خواسته های کارگران بیکار پیروزی آبادان و سراسر ایران و از خواسته های عادلانه و برحق خلقهای ستمدیده ایران که خواهان حق تعیین سرنوشت خویش هستند، اعلام پشتیبانی و همبستگی کرده اند. بنقل از مجله محلی (کمیت خوزستان) شماره ۶

از کارگران بیکار پلی اکریل (اصفهان) متحصن در اداره کار حمایت کنیم

برادران کارگر!

حدود ۱۲ روز است که عده ای از کارگران مبارز پلی اکریل در اداره کار متحصن شده اند این برادران کارگر که از بعد از قیام بهمن ماه بیکار شده اند، تاکنون هیچگونه جوابی از مقامات دولتی دریافت نکرده اند. اکنون نیز بعد از ۱۲ روز تحصن در اداره کار مقامات دولتی هیچگونه توجیهی به خواستهای آنها نکرده و تنها روز اول تحصن یکی از مقامات اداره کار اصفهان به کارگران گفته است که: "مسئله هیچگونه مسئولیتی در قبال شما ندارم". خوب میدانیم که بیکاری شری است که در خانه همه ما خواهد بود. باید ببینیم که در بیکاری زود آمدن بیکار چه خواهد شد. همین چند روز قبل بود که نمیشی از کارگران شاغل شرکت فلورا خراج شدند و بقیه هم بزودی به همین سرنوشت دچار خواهند گشت. همه ما کارگران شاغل نیز با بستی در انتظار چنین سرنوشتی باشیم. برادران کارگر! همان مقام اداره کار حرف خوبی گفت، آنها در قبال ما هیچگونه

مسئولیتی ندارند. و این خود ما کارگران هستیم که در مقابل یکدیگر مسئولیم، ما هستیم که حمایت و پشتیبانی قاطع از مبارزات برادران بیکار را میتوانیم به خواستهایمان برسیم. بدین جهت از آنجا که این برادران متحصن ما به تنهایی نمیتوانند به خواستهای برحق خود که ایجاد کار و رفاه و رفاهت برای همه بیکاری است، برسند و وظیفه کلیه برادران کارگر چه بیکار و چه شاغل است که از خواستهای برحق کارگران متحصن "پلی اکریل" حمایت کنند و این وظیفه بیشتر از هر کس بردوش ما کارگران شاغل پلی اکریل است که از خواستهای حق طلبانه برادران کارگران حمایت نمائیم. با حمایت از این قاطعانه خود از مبارزات حق طلبانه کارگران پلی اکریل متحصن در اداره کار با حیل و هنای سرمایه داران که کارگران را بیکار میسازد دیگری تعطیل نمیکند مبارزه کنیم.

گروهی از کارگران پلی اکریل

۵۸/۱۰/۹

بقیه از صفحه ۲۰

با زهم جنایت...

کارگران بودند و دستگاران قاتلین که حاضر شدند برای تبرئه آنها یک میلیون تومان بپردازند از فتوادها (روزنامه ها مدافع دیماه) و جالبست این استدلال را کسانی میکنند که در بسیاری نقاط کمیته ها شان بر سر نظر آنها و فتوادها اداره میشود! [لنا بر این کمیته مرکزی انقلاب اسلامی] با چنین استدلال نمیتوانند خون پاک این شهیدان را ملوث کنند و خلق را طسره فرزندان شهید خود را آفرامی خواهند داشت و مبارزه خود را بر علیه امیربا لیم و رتاجا بیش از پیش شدت خواهد بخشید.

بقیه از صفحه ۷ دهقانان مبارز...

"امیربا لیم" تمام بگیرد تا ضمن انتقال تاجر - بیات مبارزاتی و کمک به یکدیگر، متحداً توطئه های مالکین را درهم بشکند. عده همیشه این را بخاطر داده اند که باید حفظ و نگهداری کامل دستاوردهای مبارزاتی و انقلابی، رسیدن به آزادی، رفاه و ترقی واقعی، ممکن نخواهد شد مگر با یک اتحاد مستحکم و پایداری که با کارگران و سایر زحمت کشان شهری برقرار می کنند، امیربا لیمستی و بخصوص امیربا لیم آمریکا و عوامل داخلی آنرا درهم کوبید و حکومت واقعی کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش را بسپاریم.

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد باقر عباسی



"خاکستر را

با دسر کپان
هر جا که برود

مردی ز خاک روشید."

سخن از رفیق شهید باقر عباسی است که عاشقانه در راهائی زحمتگشان مبارزه کرد. با آنان نشست و بیدارها بشان عین گشت. به انقلاب مهترآمیز و آورد، زندان افتاد و با عشق و امید آزادی زحمتگشان و نجات قریبا بسان حاکم طبقاتی مادر خون خویش درغلند. او یکی از هزاران ستاره آسمان انقلاب دیمکراست. مدامیربا لبستی مبین ماست. ستاره ای سرخ و تابناک که درخشش و فروغ سبائی خود را در راهائی طبقه کارگری - داست. او از بیست و هشت سال جوانان مبارز و مایوس مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی طبقه کارگر بود.

رفیق شهید باقر عباسی در سال ۱۳۲۵ در شهرستان قم در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد. دوره اول متوسطه را در قم گذراند و سپس به تهران آمد. مدت ۲ سال در دبیرستان صفوی به تحصیل اشتغال داشت ولی به علت فعالیتها در رژیم ناچار در سال ششم را در دبیرستان علمیه گذراند. عشق و علاقه آتشین او به خلق، به کودکان لاغر و خفیف جنوب شهر (که خود آنها را "دوکی" می نامید) و کینه سرشارش به رژیم غارتگر و جاگیرکاران ریشه ای در همان سنین بود. جوانی وی را به مبارزه کشاند.

۱۷ ساله بود که بیک جریان مبارز مذهبی که فعالیت مخفی داشت (حزب ملل اسلامی) پیوست و سرانگشت سبک مخفی این تشکیلات با شیر ۴۳ در میدان افتاد و در میدان دگانه شاه ۳ سال زندان محکوم گشت.

زندان برای او مدرسه بود. نحوه مبارزات را مورد مطالعه قرار داد و عمیق تر و با تجربه تر گردید. عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق و تجربه مبارزاتی، او را آبدیده تر می ساخت. رفیق باقر، با غریب سوارهای انقلابی خود دل زندانیان را با ملل و ادب و مفاومت خود نشان میداد که غل و زنجیر و شکنجه هرگز مانعی در راه راهائی زحمتگشان بحساب نمی آمد.

بلافاصله بعد از آزادی از محکومیت او را به سرکاری بردند. باقر با سرکاری زعفری گردید و به بدآب و هوا ترسین مناطق فرستادند و به تفریق کارها وادانند. هدف درهم شکستن روحیه باقر رزم آور بود. اما باقر انقلابی بود و روحیه انقلابی، شکستناپذیر است.

باقر در میدان، شاه دهجه بسیار تبعیض و جنایتها می بود که در حق رفقای ستم دیده، سر - بازش رو می انداختند و به وحشیانه ترین شکل ممکن آنها را به بیگاری میکشیدند و بدینسان کینه اش آبدیده تر میگردد و شعله انتقامش شعله و تر. به علت فرازهای مکرر و سربلندی از او مرزورگوبیا به معنی از آفران، شش ماه به خدمتش اخراج کردند. اگر چه پیشش عمیق او در مسائل اجتماعی و شجاعت فوق العاده اش نظامیان را با احترام و امید داشت، ولی به علت ترس از این عنصر انقلابی بیادگانه ای متعدد تبعیدش میکردند. بعد از سرکاری او دوباره به

مبارزه پیوست و با پیشکار رختگی نا پذیر و با تمام نیروی خود تلاش میکرد.

نه سال مبارزه بیگیر با قریب مجور داشت بیشتر تلاش کردن، بیشتر تجربه آموختن و تجربه را بکار بردن.

وی پس از سرکاری ابتدا با یک گروه انقلابی همگاری میکرد، ولی به زودی دریافت که دنیا زینکل فعال استوار تر و تشکل یافته - شری دارد. بدین سبب پس از تشکیله گروه با چندتن از رفقایش با زمان "مجاهدین خلق ایران" پیوست.

برای رفیق باقر در آن شرایط، مبارزه انقلابی علیه رژیم محوری فعالیت محبوب میشد لذا علیرغم پذیرش مارکسیسم - لنینیسم به مبارزه انقلابی خویش از کمال سال ۱۳۳۱ با مجاهدین خلق ایران ادامه داد. هر چند درک او از مارکسیسم هنوز بدین حد نبود که به لزوم تشکیلات مستقل برای کمونیستها پی برده باشد رفیق باقر طریقه شنیدش به دشمنان نوده ها و شهادت و قاطعیت نوده ای اش سرعت میداد. سازمانی را طی کرد و در مدت فعالیت در آن - زمان سبیل پرکاری و مفاومت بود و قبیل از اینکه فرصت تجدید نظر در شرایط مبارزه اش را پیدا کند علیرغم آنکه به تفاهات درونی این - شی پی برده بود گرفتار ادما واک شد.

او به دنبال دزدان شکاری رفت، نه بدنیاال شغلی و زندگی ای. وضع لباس و خوراک و زندگی او ساده تر از هر کارگر فقیری بود. ولی بلافاصله پس از سرکاری بدون اینکه از نظر پلیس شناخته شود، زندگی مخفی را انتخاب کرد تا هر چه از دسترو بیگیر تر در راه مبارزه گام بردارد.

فداکاری و گذشت، شجاعت، مقاومت از ویژگیهای او بود. هر خطری را با وظیفه ای - پذیرفت، گویی خطر برای او مفهومی نداشت، بطوریکه در این زمینه، مورد انتقاد قرار می - گرفت. باقر از زیرکی و جاهلانی خامی برخوردار بود. او را بیادبیا و ربه که در زمان شهادت مجاهد قهرمان "احمد مرثی" در حدود ۳۰ اعلامیه مربوط به شهادت احمد را در کوچه و خیابان در آن جویلیسی، تک تک میبرد. میداد و همچون سابه ای گریزان لحظه ای بعد از شری از بیا قریب بود. او در

هیچکاری از خود عجز نشان نمی داد و همیشه متکثرترین کارها را بعهده میگرفت و آنرا به بهترین صورت انجام میداد. رفقای انقلابییش را چون جان دوست میداشت و رفقا را بر مهر و عاطفه اش همیشه محبلی بر زمینیت ایجاد میکرد.

او هر وقت فرصتی می یافت با را مشگاه خوش میرفت. آنرا مشگاه و قلب توده بود. جوشیدن و مهر و با این ستمدگان حاکمی از احساسات پاک و انسانی او بود. او در میان آنان رسالت خویش را می یافت. با عطف و وفای برای بچه های لاغر جنوب شهر داستان می - گفت و با خریدن بستنی لحظه ای دل آنها را شاد میکرد و خود از شادی آنان غرق در شغف میگردد.

عمل قهرمانانه و انسانی او در بر خورده مسلحانه خیابان آب منگل با شیر ۵۵ نشانیه بارزی از عشق او به مردم و کینه نسبت به دشمن بود. در آن روز با قدری خوردن با یکی از افراد دشمن که قصد با زسی بدنی او را داشت، او را

خلع سلاح میکند و اسلحه اش را بر میدارد. در این موقع که با قدری اسلحه اش را بر میدارد، از عواجل دشمن بود. با اسلحه ای که از دشمن تاحاب کرده بود دست بمقاومت مسلحانه میزند. کسرتدگی حلقه محاربه با او را فراتر میداند. پس باقر تا آخرین گلوله بمقاومت کرد و بیک

دانشجوی پلیس که قصد دستگیری او را داشت و همچنین یک عنصر شرور و خود فروخته را که او هم قصد تعقیب و دستگیری او را داشت، هدف گلوله - های خود قرار میداد. با قدری این لحظه با اینکه بدو عددنا رنگ دستی مسلح بود، ولی به علت اینکه انفجار رنگ با رنگ با نت گشته شدن عده ای از مردم میشد از بکار بردن آنها خودداری کرد و درین موقع بخاطر اینکه زنده بدست دشمن نیافتد، با قرض سعی اقدام به جانشازی میکند. با قدری این حالت که سبب تدریج دریدن او تاثیر میگردد برای مردمی که در اطراف او بودند نیک سخنانی کوتاه کرد که نشان عظمیت روح انسانی او و عشق عمیق او به مردم بود. او چنین گفت:

"مردم، من جان و جوانی و همه چیز خود را در راه شما داده ام. با اینکه الان دنیا رنگسک دارم که هر کدام برای کشتن همه شما کافی است، ولی من آنها را بکش نمیبرم. چه کسی را بکشم؟ شما را؟ محال است. من چگونه میتوانم مردمی را که همه چیز را در راه آنها داده ام بکشم؟ نه برادران، نه من هرگز چنین کاری را نمی - کنم". سپس شروع به توضیحاتی در مورد هدفهای انقلابی و انسانی اش میکند. در این موقع یکی از دریده چشمان ساواک او را که دیگر توانایی نداشت، زیر کتک و مشت و لگد گرفت. در این موقع مردمی که اطراف باقر جمع شده بودند و سخنان وی قلب آنها را لرزاند و روشن کرده بود، بخشم آمده و بر سر آن قاتل دریده چشم ریختند که با قرا از دست او نجات دهند.

سرانجام باقر به سارت در آمد. سال هم ماندن همه اطلاعاتی که او داشت و اینکه قرار - ها بش را با رفقای بدست دشمن نداده بود، برای ما شکی باقی نگذاشته بود که با قدری شر سم با شکنجه شهید شده است. رفقای باقر بیاد سودگی تمام به مدت سه ماه در محبوسه اطلاعات با قدری آمد و میگردد. حتی در زندان و نیز خارج از زندان برای او مرا ستمها تگذاشتند. ولی بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه اول
"حذف بهره" و امثالها...

کشا و رزی و تجاری نقش فوق العاده مهمی در مناسبات سرما به داری بود انحصارات امیر-بالیستی و مثنی سرما به داری و وابسته ایفا کرده و می کنند (۱). رشد توسعه بانکها، ایمنی موسسات غارت و استثمار در ارتباط نزدیکی با رشد توسعه وابستگی و توسعه سرما به داری وابسته در کشور ما بوده است. نقش بانکها در ایجاد تورم و گرانی، بحران ممکن، شمع و وابستگی به امپریالیسم... بویژه در سالهای اخیر گسترش فوق العاده ای یافته است و نشان این امپریالیستیک با بانکها و شعب جدید است که چون قارچ در سالهای گذشته از زمین می روید (۲). ما در باره نقش بانکها در بحران ممکن و تاثیر که این موسسات غارتگر در بالا بردن هزینه ممکن، اجاره خانه و... دارند در مقاله "رشته های بحران ممکن در ایران" صحبت کردیم و اکنون نیزنگاهی مختصر به دیگر جنبه های فعالیت این موسسات برای روشن شدن اینکه هیئت حاکمه امروزه سیاستی در قبال بانکها در پیش گرفته است ضرورت دارد.

در سالهای گذشته همه خوبی سلطنتات رنگارنگ و برهیا هوی بانک ها را برای جذب پس اندازهای مردم بخاطر دارم. جذب این پس اندازهای کوچک مردم به بانک ها امکان را میداد تا سرما به خود را امراض داده و با دادن اعتبارات به سرما به داران بزرگ و وابسته و دریافت بهره های کلان (که در واقع بخشی از سود آن سرما به داران بود که از استثمار طبقه کارگر و دیگر حتمکنان بدست می آمد) نقش غارتگرانه خود را در خدمت به سرما به داری وابسته به امپریالیسم ایفا کنند. به عنوان مثال در سال ۵۵ جمع سپرده های بانک ها به ۳۲/۸ میلیارد ریال و مقدار وام آنها به ۳۲/۲ میلیارد ریال رسید که در مقابل سال قبل یعنی فقط در مدت یک سال رشدی معادل ۳۰۰ درصد داشته اند! در حالیکه بانکها در مدت اخیر به سپرده های کوچک مردم می دادند، همین بانکها نرخ بهره -

(۱) - لازم به تذکر است که در خود کشور های امیر - بالیستی بانکها بهر حال در ارتولید نقش مستقیم دارند در حالیکه در کشور وابسته ای چون کشور ما بانکها آن دستگاه های هستند که در پاسخ به نیازها و سیاستهای سرما به امپریا - لیستی مستقیماً جهت سرما به گذاری ها را بسوی رشته های غیر تولیدی و انگلی (چون خرید و فروش و واردات، بورس بازی و...) بسوی می دهند.

(۲) - در این مورد لازم به تذکر است که تنها در سال ۱۳۵۵ بانکها اقدام به ایجاد ۲۰۴ واحد بانکی در سراسر کشور کردند بطوریکه در این سال تعداد کل شعب بانکهای موجود در کشور بالغ بر ۷۶۴۴ واحد گردید و این که در عرض مدت ۶ سال (از ۴۸ تا ۵۴) تعداد بانکهای بازرگانی و تخصصی از ۲۵ به ۳۵ رسیده است و شعب آنها نیز در همین مدت رشد بسیار یافته است.

های کلان برای دادن اعتبارات و وام مدتی است می گردند بطوریکه نرخ بهره معامله شده در تهران ۲۱٪، در اصفهان ۱۸٪، در تبریز ۲۲٪ و در شیراز به ۳۴٪ می رسد. و این براساسی ارقام حیرت آوری است که چنین موسساتی بدون اینکه حتی کوچکترین شرکتی در ارتولید داشته باشند به چنین سودهای کلانی دست می یابند. همراه با رشد فعالیت بانکها و حجم عملیات آنها، هزینه کار مزد و نرخ بهره های بانکی بالا می رفت تا جایی که بهره متزیریل هفته ویرات تا حدود ۱۴٪ و بهره صندوق های ممکن اکباتان و گورش به ۱۶٪ رسید (در مقابل دریافت ۳۹۴ هزار تومان وام ممکن، متقاضی با بستی حدود ۸۵ هزار تومان در عرض ۱۵ سال بهر داری!) و با متلا بانک تهران با سرما به ۵۰۰ میلیون تومانی در سال ۵۵ بالغ بر ۱۳۳ میلیون تومان (یعنی نرخ سود ۲۴/۶٪) و بانک صایع ایران حدود ۳۰۰ میلیون تومان سود داشته اند. ومع با سیر بانک ها نیز همین ترتیب بوده است. نقش انگلی این موسسات غارتگر در جنبه دیگری از فعالیتان سرزنشوار است. بدین صورت که در سالهای اخیر سوز از زمان افزایش درآمد نفت (۵۳) اغلب اعتبارات بانکها در زمینه های غیر تولیدی (نظیر اعتبارات و وامهای کلان برای ساز و برفروش دار زمینه بورس بازی زمین و ساختمان سازی، در زمینه وارد کردن اجناس وارداتی از خارج کشور توسط بازرگانان وابسته و...) بوده است، که این امر خود سهم بزرگی در رشد تورم و تحمیل فائز و فروش توده های مردم داشته است. برای تأمین این اعتبارات عظیم و در جهت حتمین منافع کثیفی بود که ما بانکها دائماً احتیاج به افزایش نقدیگی داشتند و از آنجا که ما این سرما به تنها با تملکات گسرد برای جذب سرما به های کوچک مردم میسر بود، بانکهای مختلف پس از پیش به بانک مرکزی روی می آوردند تا با دریافت وام از این بانک ما در سرما به خود میخواستند تا دستن برای انجام این معاملات باز تر باشد. وابستگی به بانک مرکزی که در واقع صاحب دخالتهای ایران بوده مفهوم آن بود که به روز واری و بوروکراسیک کمزور ایران تمام منافع تولیدی و ملی را در اختیار بانک های بخش خصوصی و وابسته قرار می دهد تا نقش سکن خود را در رشد سرما به داری وابسته ایفا کنند. به عنوان مثال پس از افزایش درآمد نفت در سال ۵۳ بانکهای شخصی از حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بولی که در اختیار داشتند بیش از ۹۰٪ (۱۹۳ میلیارد تومان) آن از درآمد دولتی و اعتبارات دولتی و فقط مقدار را جزئی از محل سپرده های انعامی تأمین شده بود و این پول تماماً به عنوان وام اعتبارات صنعتی و کشاورزی در اختیار بازرگانان و صاحبان صنایع وابسته و مونتاز قرار می گرفت. نقش بانکها به لحاظ وابستگی مستقیم - تان به انحصارات امپریالیستی نیز بسیار قابل توجه است زیرا که تمام می بانکها بطور مستقیم وابسته به انحصارات امپریالیستی اند.

بقیه از صفحه ۱۸
کرامی با دغا طره...

بعد از سه ماه از گوشه و کنایه روبرو سید که با قرزند است. این خبری شورا نگیز بود. معنی این خبر آن بود که سه ماه تمام شکنجه های سیمانه نتوانسته بود لب را زدا را برقرار بکشد. ما بکبار دیگر که دهها بهر شور و انسانی یکدیگر از رفقای خود بودیم که با میت دلیرانه خود دشمن را به عجز آورده بود و با این ترتیب با رد بکرا شایب کرد که میتوان حتی در سختترین شرایط و در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها لب از لب نکشود و تسلیم دشمن نشد. پس دلدیری و مردانگی اش جا و دانه باد.

رفیق شهید با قربانی به ما هیت فرصت - طلبان آشنایی داشت و برای همین با اینکه همه میدانستند که وی عفو را رکیست - انیتیت سازمان ما هدین است ولی از سلول خود با رها به زندانیان دیگر پیغام میداد که با سبک کمونیست است تا بدینوسیله راه را برای هرگونه تحریف هیئت ایدئولوژیک که امروز ما بهیم چگونه راجع گذشته است بر بندد.

رفیق با قربانی را با ما ده شهید محمد مفیدی، دلاوریگری که سراپا قهر انقلابی بود در سحرگاه ۲۱ دیماه ۵۱ تیرباران کردند. برای آنها حتی آن خیمه شب بازی بنا ندادند. راه سازش را به ما را اعدام محکوم کرده است. آنها از محاکمه این انقلابیون میهراسیدند، چرا که وی در سحر خیز قهرآمیز و نیز در جریان با زجوشی به آنان آموخته بود که در دادگاه چه خواهد گفت.

بیروزی ما رزات انقلابی و پیگیر کارگران و زحمتکشان درودشهادی بخون غخته خلق

به عنوان مثال سه ماه بعد از آنکه توسعه صنعتی و معدنی ایران و بانک ایرانیان، بانکهای آمریکائی وابسته به گروه مالی راکفلر - اند (این بانکها شامل فرست ناشال سیتی بانک، بانک سیتی نیویورک، بانک آمریکا و... هستند). همین گروه مالی امپریالیستی بود که در اواخر سال ۵۶ برای رژیم شاه و امی به مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار تهیه کردند. این مسئله از آن جهت قابل توجه است که رژیم چنانکه سابق هنگامی به بهره های سنگین از انحصارات امپریالیستی وام می گرفت که خود از سوی دیگر مصالح هنگفتی از آنها می بانک های امپریالیستی را برای جلوگیری از ورشکست شدن آنها خریداری میکرد! سرما به گذاری امپریالیست ها در تاسیس بانک های خارجی نیز انجام می گرفت که نمونه آن تشکیل بانک ایران و ژاپن، ایران و هلند، ایران و عرب، ایران و انگلیس، شعب بانک چیس ما نشانان و... بود که چون قارچ از زمین می رویدند.

دنباله دارد...

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!



جهان پهلوان تختی، یادت گرامی باد!

توانا در سینه‌های گرم خواهی زیست
توبا انبوه پاک مردمان خوب قلب شهر
خواهی مانندی.

۱۷ دی ماه افسال معادفاست بسا

دوازدهمین سالگردشهادت غلامرضا تختی قهرمان
کشتی ایران بدست ما مورسین جلادسا واک
چهبیهوره رژیم کوشیدک شهادت این قهرمان ملی
را خودکشی اعلام کرده، خاطره‌ها را از ذهن‌ها
توده‌ها پاک نماید.

تختی در شهریورماه ۱۳۰۹ در محله فقیر
نشین خانی آبا دهران بدنیا آمد و دوران
کودکی را با رنج و مشقت سپری نمود. با رزترین
خصوصیت تختی عشق اوبه توده‌ها و زندگی‌شان
آنان بود. چرا که او خود را جزئی از آنان می‌دانست
و با پوست و گوشت خود در درون جانشان را
احساس میکرد. تختی ورزش کشتی را در خدمت
اهداف سیاسی و مبارزه با رژیم خائن پهلوی
فرار داده بود و دهمین امربود که او توانست جای
خود را در قلب توده‌ها بگذارد. شهادت این

قهرمان ملی انگیزه‌ای برای مبارزات توده‌ای
ای که پس از سرکوب خونین ۱۵ خرداد ۴۲ فروتن
کرده بود، گردید. در مراسم چهارم این قهرمان
شهید پیش از نیم میلیون نفر شرکت کردند که
این امر در آن املای سرکوب و خفقان نمایش
عظیمی بود که مستقیماً در برابر پهلوی و رژیم
مزدور سلطنتی را هدف قرار داده بود. این تجمع
عظیم توده‌ای که با شعارهای منتهی افشاکننده
منجر به زد و خورد با ما مورسین رژیم گردید، تباری
بود برای حرکات مبارزاتی و سیمترکته در
سالهای بعد اوج بیشتری یافت.

ما به همراه همه خلقهای ستمدیده ایران،
خاطره این شهید قهرمان را گرامی میداریم.

حمله به میتینگ فدائیان خلق را محکوم میکنیم!

چنین صحنه‌های دردناکی هستیم که مشخصاً به
تحریک باندهای ارتجاعی حاکم و باغبار
ناآگاهی و گمراهی توده‌های درمیان‌اشاری
از توده‌ها صورت میگیرد. لیکن امروز هیئت
حاکم می‌کوشد با اصطلاح "مبارزات فدا میریسا"
لیستی "خود را وسیله و محملی برای طمس
جریانه‌های انقلابی و مترقی که ما مبارزه واقعی
علیه امپریالیسم را از ما روزه علیه سرمایه‌داری
و ایستاد ارتجاع داخلی جدا نمیدانند و قرار
دهد و به این اعتبار رستاخیزیهای مبارز
و انقلابی مردم، نیروهای کمونیست و انقلابی
را بی‌بها نه‌فدیت با اصطلاح "مبارزه فدا میریسا"
لیستی "ایمان سرکوب کند، امروز افشای توطئه‌ها
تحریکات هیئت حاکمه و طیفه‌ها بسیار حساس و
مهمی است که در کنار شرکت فعالانه در مبارزات
فدا میریسا لیستی توده‌ها بردوش کمونیستها و
شمار نیروهای انقلابی قرار دارد.

درافشای توطئه‌های امپریالیستی و
ارتجاعی هر چه ممما نه‌تربیه پیش!

رساندن فرزندان دلاور خلق کرد و انقلابیون
کمونیست می‌کرد. از این گذشته "کمیته سرکشی
انقلاب اسلامی" که همیشه فرا دستخ خود را برای
سرکشی کارگران و زحمتکشان حق طلب می‌کرد
فرستادن کمون کارگران و زحمتکشان را برای
در روز روشن بخاک و خون کشیده است (کارخانه
پارس مینوزجان، تجمع کارگران بیکسار
امامان و...). یکباره "مدافع زحمتکشان" از
آب درمی آید و عنوان میکند که "مکتولین" از
(بخش در صفحه ۱۷)

عمر جمعه ۱۴ دیماه، دانشکده پلی تکنیک
در اجتماع که از سوی سازمان چریکهای
فدائی خلق و در رابطه با افشای اسنادی از
سازشها و خیانت‌های هیئت حاکمه برگزار شد،
اوباشان و چماق بدستان حرفه‌ای با ردیگر
صحنه‌ای فجیع و در عین حال، دردناک را
آفریدند. ما همین با چهره‌های برافروخته و
سرشار از تعصب و کور خودتشی به دادن شعارهای
مبتذل و فدا انقلابی علیه کمونیستها بسنده
نکردند. آنها با سنگ و تکه آجر و چوب و هر چه در
دست داشتند به جمعیت حاضردان دانشکده حمله‌ور
شدند. بدنبال این تهاجم وحشیانه بود که زد و
خورده‌خونی در گرفت که منجر به مجروح شدن
دهها تن از مردم گشت (از رقم دقیق مجروحین
اطلاعی در دست نیست). در پی آن دفا تشر
دا نشجویان پیشگام و دانشجویان هوادار
سازمان بیکار در دروازه دانشکده پلی تکنیک نیز مورد
هجوم و غارت و وحشیانه این عناصر مرتجع و نا -
آگاه قرار گرفت.

برای نخستین بار رنیمت که شاه و قسوع

این عمل ارتجاعی مورد اعتراض وسیع نیرو -
های دمکرات و انقلابی و دانشگاہیان مترقی
قرار گرفته است. (توطئه‌های خائنه و جنایت -
کارانه هیئت حاکمه پیش از این نیز از نیروهای
کمونیست، انقلابی و دیگران بسیار قریبانی
گرفته است. در اینجا نیز کسانی که دستشان به
خون این جوانان آلوده است وقتی با اعتراض
بحق نیروهای مبارز و انقلابی توده‌ها روبرو
میشوند، شروع به ذروغ گشتن می‌نمایند. همان
کاری که خلخال جلاد پس از اعدام موبشهادت

تبریک سازمان به خلق قهرمان فلسطین

برادریا سرعفات رئیس کمیته اجرایی سازمان
از دبیش فلسطین و فرماده کل نیروهای
انقلاب فلسطین

با نهایت مسرت، با نژدهمین سالگرد آغاز
انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را به شما و به کلیه
نیروهای انقلابی فلسطینی و بویژه نیروهای
عامه و خلق مبارز فلسطین تبریک می‌گوئیم.

هر چه زمان می‌گذرد، بیوند برادرانه بین
خلقهای ایران و فلسطین که راده راده مشترک
خلقهای دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم
میونسیم و ارتجاع است استوارتر میگردد. این
بیوند سرشت سازت آزادی کامل فلسطین و
نا بودی سلطه امپریالیسم در سر منطقه؛ دامنه
خواهید یافت.

خلقهای ستمدیده، مبارز و قهرمان ایران
که در انقلاب دمکراتیک خویش با واگون کردن
رژیم شاه، سر به درون کی برپیکر امپریالیسم
میونسیم و ارتجاع زدند، همینان دونا دوش
حلی فلسطین در راه تعمیق هر چه بیشتر انقلاب
دمکراتیک خویش به پیش میروند و یقین دارند
که روزی شا هدر پشی دولت دمکراتیک فلسطین
برویرانه دولت میونسیتی اسرائیل خواهند
بود. پیروزی ای که ما ادا می‌گیریم انقلاب
و نیروی رزم آوران و حمایت توده‌های زحمتکش
فلسطینی میسر خواهد گشت.

انقلاب تا پیروزی

پیروز با دمبارزه خلقهای ستمدیده منطقه
اول ژانویه ۱۹۸۰ (۵۸/۱۰/۱۱)
"سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

باز هم جنایت ارتجاع!

دوشن دیگر از جناح مبارز و مترقی
میهمان، برادران مجاهد احمد عسکری سروستانی
و عبدالحمین عسکری سروستانی، قربانی جنایات
و توطئه‌های ارتجاعی هیئت حاکمه گشتند. این
دو مبارز در تاپستان گذشته در جریان یک درگیری
محلی که به قتل دونه منجر شده بود دستگیر شدند
طبق بیانه سازمان مجاهدین خلق درگیری
با توطئه تحریک امیز عوامل ارتجاع بر علیه
یکی از دوبرادر شهید ترشید داده شده بود.

دادرای انقلاب اسلامی شیراز در جریان
محاکمه احمد و عبدالحمین عسکری را به اعدام
و برادر سوم آنها را که امولا در جریان درگیری
داخلی نداشته است به حبس می‌محکوم می‌نماید.
حکام اعدام به علت سابق مبارزاتی دو مجاهد
مورد اعتراض به اعدام را شیراز قرار گرفته
و به تمویق می‌افشد. سپس آنها را به قم منتقل
می‌کنند و علیرغم وعده‌ای که برای تعیین وکیل
به خانواده و دوستان آنها داده می‌شود، بدون
خبر در تاریخ سه شنبه سوم دیماه حکم اعدام دستور
دادگاه انقلاب اسلامی قم را اجرا گشته می‌شود.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست